

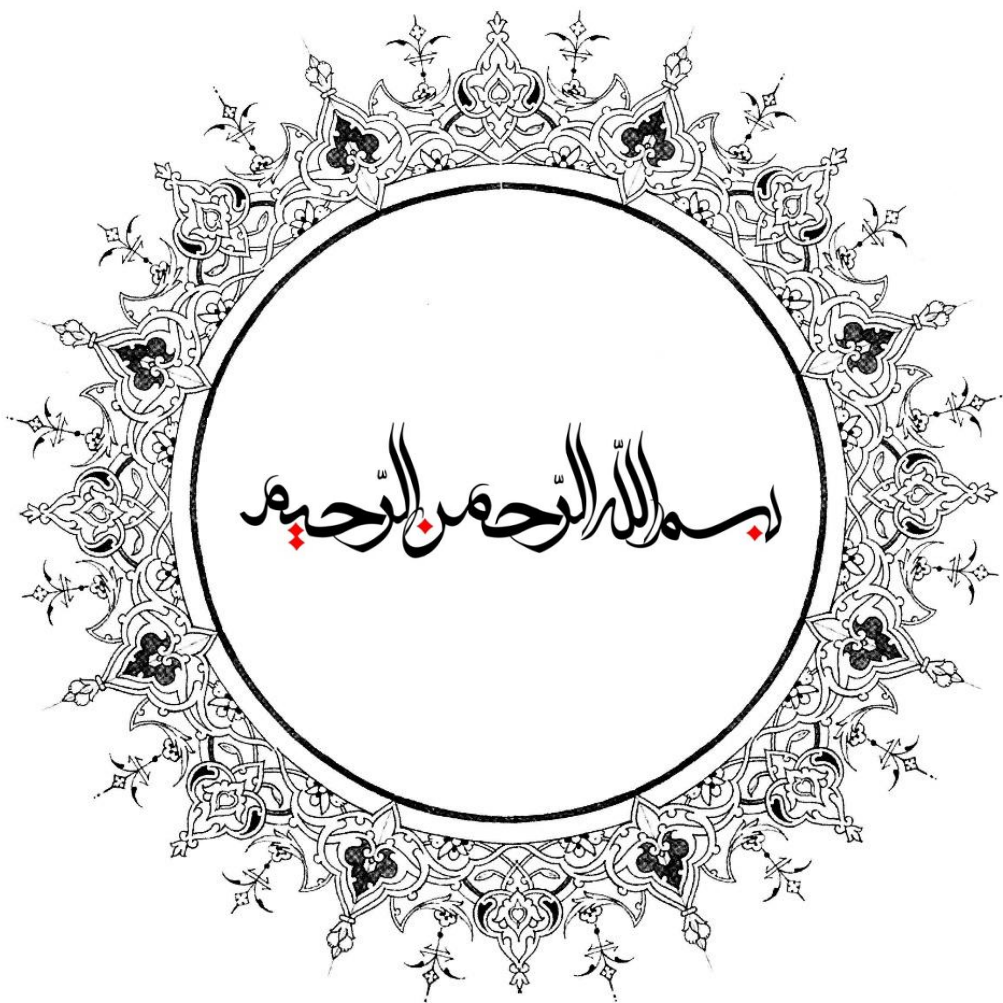
پاسخگویی به شبهات

کرونایی



گرد آورنده:

نهاد رهبری دانشگاه اراک

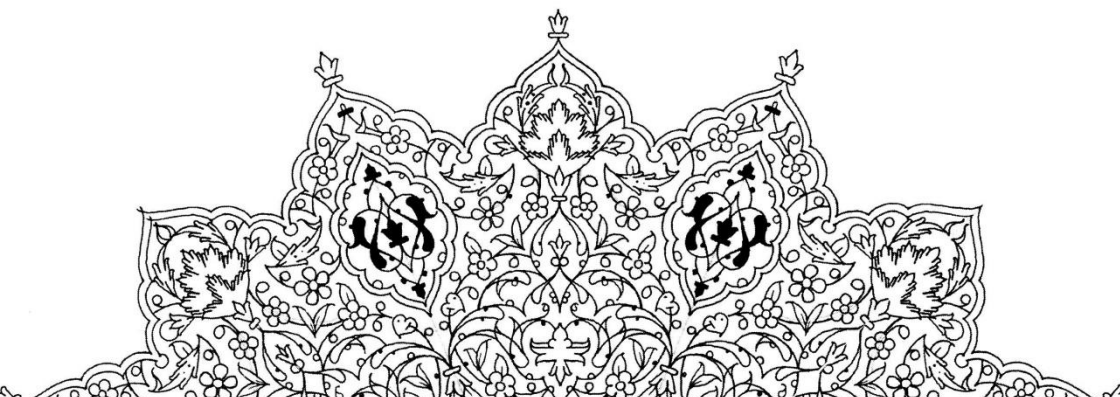




# پاسخگویی به شبهات کرونایی

گردآورنده:

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک





## فهرست مطالب

۳	..... مقدمه
۵	..... پیشگفتار
۸	..... فصل اول: خدا و کرونا
۹	..... قدرت الهی
۲۱	..... عدالت الهی
۲۸	..... تدبیر الهی
۳۳	..... خانه خدا
۳۸	..... قضاء و قدر، سرنوشت، جبر و اختیار
۴۷	..... فصل دوم: ائمه و کرونا
۵۷	..... فصل سوم: منشأ کرونا
۵۸	..... آزمایش
۶۱	..... گناه
۷۲	..... انسانی
۷۲	..... الف: قم
۷۷	..... ب: جامعه المصطفی
۷۹	..... فصل چهارم: علل معنوی و کرونا
۸۰	..... دعا و کرونا

- ۸۲ ..... صدقه و کرونا.
- ۸۷ ..... توسل و کرونا.
- ۹۵ ..... فصل پنجم: علم، دین، کرونا.
- ۹۶ ..... رابطه علم و دین.
- ۱۰۹ ..... سیاسی.
- ۱۱۸ ..... پیوست.
- ۱۲۳ ..... فهرست منابع.

## مقدمه

دنیا منزلگه آزمایش الهی است و در هیچ زمانی آدمی به حال خودش وا گذاشته نمی‌شود؛ آنگونه که خداوند متعال میفرماید: ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ آیا مردم پنداشته اند که با گفتن این که ایمان آوردیم رها می‌شوند و هرگز مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ نعمت و نعمت و رفاه و رنج این دنیا همگی آزمون الهی است؛ نه هر انسان مرفه‌ی مورد اکرام خداست و نه هر انسان مبتلایی مورد تحقیر اوست. آنگونه که خداوند متعال میفرماید: ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد می‌گوید پروردگرم مرا گرامی داشته است. ﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾؛ و اما چون وی را می‌آزماید و روزی اش را بر او تنگ می‌گرداند می‌گوید پروردگرم مرا خوار کرده است.<sup>۲</sup> آفرینش مرگ و حیات آدمی به جهت آزمایش وی است و این‌گونه است که بیماری کرونا می‌تواند نمایی از این امتحان الهی باشد که خداوند بدین طریق خواهان نجات بشر غرق شده در منجلاب گناه است. بیماری کرونا ما را متوجه قدرت و عظمت خداوند کرد و نشان داد که چگونه می‌شود روح با کرامت شهیدان دوباره بر جسم های افراد پاکسرشت دمیده شود تا با گذشتن از جان عزیز خود، در سنگر حفظ جان هموعان خویش بکوشند و در مقابل، افرادی نیز با به تن کردن جامه رزم دشمن به زمره آنان

۱- عنکبوت: ۲

۲- فجر: ۱۵-۱۶

پیوستند و در این دوران حساس، تنها به منفعت خویش فکر کردند. اما از سوی دیگر گروهی نیز از این حد فرا تر رفته و دست به مبارزه با اعتقادات مردم زدند و این شرایط را بستری یافتند تا به اهداف پلید خویش برسند و با ایجاد شبهات دینی؛ شمشیر را علیه اعتقادات بشری بیرون کشند و همین امر موجب گشت ستاد فرهنگی جهادی حوزه سلامت دانشگاهیان در استان مرکزی تشکیل گردد و کارگروه سلامت فکری و اعتقادی (پاسخ گویی به شبهات کرونایی) برعهده دانشگاه اراک قرار گیرد و از این رو برخورد لازم دانستیم که گامی هرچند کوتاه در این مسیر برداریم و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خبره این حوزه، به برخی از شایع‌ترین این شبهات پاسخ دهیم.

مهدی مهدوی اطهر

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک

## پیشگفتار

کتابچه حاضر مجموعه‌ای از شبهات جمع‌آوری شده توسط همکاران دفتر است که توسط متخصصین و روحانیون و ائمه جماعات پاسخگویی شده است. در این راستا از زحمات جناب حجت الاسلام والمسلمین حبیبی که در جمع‌آوری، ساماندهی و تدوین این کتابچه زحمات زیادی کشیده‌اند قدردانی به عمل می‌آید. در ذیل به برخی از اقدامات صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌گردد:

- ❖ مذاکره با دفتر نهاد دانشگاه علوم پزشکی در خصوص بهره‌گیری از ائمه جماعات برای سرکشی به بیمارستان‌ها و ملاقات با خانواده‌های متوفی کرونا
- ❖ جمع‌آوری کلیپ، صوت، پوستر، عکس نوشته و... با موضوع شبهات کرونایی به صورت روزانه
- ❖ آماده‌سازی استودیو فیلم برداری و صدا برداری برای ضبط کلیپ و صوت
- ❖ معرفی ستاد فرهنگی - جهادی حوزه سلامت برای ائمه جماعات، دانشجویان، اساتید
- ❖ مذاکره با دانشجویان فعال فرهنگی، اساتید و کارکنان و درخواست همکاری با ستاد
- ❖ بیش از ۲۰ ساعت جلسه با رابطین فضای مجازی برای توزیع محتوای تولید شده در گروه‌ها و کانال‌های دانشگاهی
- ❖ به روزرسانی صفحه اینستاگرام و کانال‌های پاسخگویی به شبهات کرونایی

- ❖ برگزاری مسابقه کتابخوانی مجازی برای اساتید، دانشجویان و کارمندان در ایام قرنطینه
- ❖ رایزنی با دبیر هم‌اندیشی اساتید در خصوص معرفی مشاور
- ❖ تهیه فایل گرافیکی پاسخ به شبهات تهیه شده توسط همکاران مجموعه دفتر نهاد
- ❖ جذب کمک‌های خیرین برای بسته‌بندی مواد، غذایی و بهداشتی و پوشاک در ماه مبارک رمضان (رزمایش همدلی)
- ❖ تقویت فعالیت مجازی در گروه‌های مربوط به حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان و ارتباط مؤثر با دانشجویان دوره
- ❖ هماهنگی با مبلغین برادر و خواهر جهت پاسخگویی به شبهات کرونایی
- ❖ واریز مبلغ بیش از سیصد میلیون ریال به حساب دانشجویان نیازمند حمایت دانشگاه
- ❖ مذاکره با مسئول بسیج دانشجویی استان، فرمانده قرارگاه سازندگی سپاه، نماینده آستان قدس در استان برای دریافت کمک برای محرومین
- ❖ پیگیری امور آموزشی و رفاهی دانشجویان در دوران تعطیلی دانشگاه
- ❖ تهیه بسته‌های ارزاق برای دانشجویان نیازمند تحت پوشش
- ❖ کمک در بسته‌بندی و توزیع بیش از ۸۰۰ بسته کمک مؤمنانه با مشارکت بسیج دانشجویی
- ❖ در این کارگروه ۱۶ نفر از اعضای دفتر نهاد، ائمه جماعات، اساتید گروه معارف و سایر دفاتر استان به میزان ۵۲۰ ساعت فعالیت نمودند.





فصل اول

خدا و کرونا

## قدرت الهی

حکایت کن از خدایی که از همه چیز و همه کس بزرگتر بود، ولی قدرت حفاظت از  
بندگان و زائران خانهاش را در مقابل یک موجود ذره‌بینی نداشت؟

پاسخ:

خداوند در دنیای ما قوانینی قرار داده است که ما باید این قوانین حاکم بر دنیای مادی را بشناسیم تا بتوانیم تصمیم درست را بگیریم. «و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسره ایمان می‌آوردند آیا تو میخواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟»<sup>۱</sup> اما خداوند اراده کرده و خواسته است که انسانها با اختیار خود ایمان آورند و نه از روی اجبار. همچنین خداوند خواسته است که در دنیای ما سنتها و قوانینی حاکم باشد و این قوانین تغییر نمی‌کنند مگر در شرایط بسیار خاص (که مربوط به معجزات پیامبران است که در این مقاله موضوع بحث ما نیست.) پس خداوند اراده کرده یک مجموعه قانون در این دنیا ثابت باشد و خداوند این قوانین را تغییر نمی‌دهد (چون خودش بنابر حکمتش خواسته است که اینگونه باشد)

حال با توضیحات داده شده، بار دیگر به این جمله‌ی شبهه‌پرداز توجه کنید که گفت  
”خدا توانایی حفاظت از بندگانش در مقابل یک ویروس را نداشت“ در اینجا می‌گوییم

۱ - یونس: ۹۹، ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾

خداوند نه تنها برای این ویروس توانایی محافظت از همه انسانها را دارد بلکه توانایی دارد که تمام مومنان و همچنین تمام انسانها را از هر بیماری و رنج و سختی محافظت کند اما اینجا دنیا است و خداوند بر خودش فرض کرده است که یکسری قوانین بر آن حاکم باشد. طبق آیه « برای سنتها و قوانین خداوند هیچ تغییری نمی یابی<sup>۱</sup>» قوانین الهی تغییر نمی کند و آنکه باید تغییر کند بشر است، «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنچه در درون خودشان است را تغییر دهند.<sup>۲</sup>» انسانها باید این قوانین را بشناسند و خود را با آن تطبیق دهند. پس تغییر ندادنِ حالتِ پیش آمده برای ویروس کرونا دلیل بر عدم توانایی خدا نیست. این شبهه، مطلب جدیدی نیست و می توان با همین کج فهمی و دید تک بعدی، شبهات دیگری را بوجود آورد: آیا خدا نمیتوانست مانع زخمی شدن صحابه پیامبرش در جنگ شود؟ آیا خدا توانایی حفاظت از مومنان در جنگ را ندارد؟ آیا خدا نمیتوانست مانع شکست مسلمانان در جنگ احد شود؟ و هزاران سوال اینگونه می توان ساخت که همه آنها ناشی از عدم درک درست مفاهیم دینی و عدم اطلاع از مباحث قرآنی است که در تمام این موارد می گوئیم خداوند توانایی حفاظت و جلوگیری از وقوع این پیشامدها را دارد اما بحث اختیار و قوانینی که خدا برای جهان طراحی کرده پیش خواهد آمد که خداوند بر خود فرض کرده که آنها را تا زمانی مشخص (قیامت) تغییر ندهد. خدا می توانست در دنیا قوانینی را بر آن حاکم کند که هیچ بیماری وجود نداشت، هیچ مرگی اتفاق نمی افتاد و همه انسانها جاودانه بودند، هیچ گرسنگی وجود نداشت و کلا همه چیز در بهترین شرایط قرار داشت اما

۱ - فتح: ۲۳، ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾

۲ - رعد: ۱۱، ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾

اینجا دنیا است نه بهشت. خداوند بهشت را دقیقاً اینگونه خلق کرده است پس فراموش نکنیم اینجا دنیا است و ما باید با توکل بر خدا، قوانین موجود در دنیای ماده را بشناسیم و وضعیت خود را در آن بهتر کنیم. باز هم تاکید میشود اینجا دنیا است و مکان انواع ابتلائات و آزمایشها است.

**با این توصیف که خداوند متعال قادر مطلق است و هر کاری بخواهد در عالم انجام می دهد، پس چرا به ظالمان عالم اجازه ظلم و ستم را می دهد؟**

پاسخ:

خداوند متعال انسان را آفرید و به او قدرت انتخاب و اختیار داد، او میتواند هر کاری که خواست انجام دهد، لذا خدا اجازه می دهد انسان هر کاری انجام دهد و آزادانه تصمیم بگیرد و عمل کند، تا در جهان آخرت بر اساس همان اعمال او را مواخذه کرده و پاداش دهد یا عذاب کند. بنابراین خداوند متعال در امور عالم و رفتار انسانها دخالتی نمی کند و اجازه می دهد روال عادی و تصمیمات انسانها انجام شود و لو تصمیمات شیطانی و ضد انسانیت باشد. البته بدون شک اراده الهی به این تعلق میگیرد که مسیر هدایت گم نشود، یعنی اینگونه نیست که بشریت بتواند به طور کامل مسیر هدایت را از بین ببرد، بلکه انبیای خود را کمک میکند تا مسیر هدایت گم نشود، به طور مثال پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) را کمک کرد تا بتواند اسلام را منتشر کرده و دستورات دین را به مردم برساند. لذا همه کفار و مشرکان مکه دست به دست هم دادند تا این دین را نابود کنند اما نتوانستند، چون اراده الهی به این تعلق

گرفته که مسیر هدایت گم نشود. به همین خاطر دین مبین اسلام و مذهب بر حق شیعه علیرغم تلاش دشمنان برای نابودی آن، همچنان پویا و سرزنده پیش میرود و در زمان کنونی مرزهای فکر انسانها در اروپا و آمریکا را یکی پس از دیگری فتح می کند.

در نتیجه در پاسخ باید گفت اولاً: همه چیز دست خداست، قدرت خداوند متعال به همه چیز تعلق میگیرد و همه انسانها و همه موجودات عالم توان و قدرت خود را از او میگیرند، و اگر یک لحظه و حتی کمتر از آن، اگر رابطه موجودی با خدا قطع شود، او نیست شده و از بین میرود. ثانیاً: اراده الهی به این تعلق گرفته که انسان آزاد باشد و در رفتار خود بتواند هر کاری که میخواهد انجام دهد. ثالثاً: هیچگاه اجازه نمی دهد که مسیر هدایت و راه سعادت مردم گم شود و به طور کلی توسط ظالمین از بین برود.

### خدا در برابر ویروس کرونا زانوزد و در درمان آن عاجز است؟

پاسخ:

در پاسخ به آن دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول این است که بگوییم این ویروس و این بیماری نتیجه اعمال خود ماست، بشر امروزه بسیار جریح و بی حیا شده و تمام ارزشهای انسانی را به فراموشی سپرده است، لذا هیچ بعید نیست که خداوند متعال بخواهد انسانها را ادب کرده و سر جای خود بنشانند و آنها را تنبیه کند.

احتمال دوم این است که این ویروس جهت بیداری انسان و به خاطر تضییع و برگشت انسان به سوی خدا باشد. بر این اساس، خداوند متعال غنی بالذات است و تمام عالم از او نشأت گرفته و همه چیز توان و قدرت خود را از خدا میگیرد و قدرت او حاکم بر عالم است و هیچ موجودی را نمیتوان یافت که بدون قدرت خدا بتواند ادامه حیات دهد. پس عجز و ناتوانی برای خداوند متعال تصور باطلی است و هرگز با ادله عقلی و برهانی همخوانی ندارد. در مورد ویروس کرونا باید دانست که، توان و قدرت و حیات و ممات آن در دست خداست، خدا قادر متعال است و اگر بخواهد این ویروس را در کمتر از آن، از بین می برد و در این شکی وجود ندارد.

اما سوال اینجاست که چرا اجازه داده این ویروس حرکت کند و کشورهای دنیا را در بر بگیرد و انسانهای زیادی را از بین ببرد؟ در پاسخ به آن دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول این است که بگوئیم این ویروس و این بیماری نتیجه اعمال خود ماست، امام رضا (علیه السلام) در حدیثی فرمود: « هرگاه که بندگان، گناهان تازه ای پدید آورند که قبلاً مرتکب نمی شدند، خداوند بلایی تازه ای برایشان پیش می آورد که قبلاً نمی شناختند<sup>۱</sup>». بشر امروزه بسیار جریح و بی حیا شده و تمام ارزشهای انسانی را به فراموشی سپرده است. لذا هیچ بعید نیست که خداوند متعال بخواهد انسانها را ادب کرده و تنبیه کند. پس احتمال اول این است که این بیماری نتیجه اعمال ماست. ممکن است پرسید پس چرا ایران اسلامی

۱ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی/ ج ۲ / ص ۲۷۵، «كَلَّمَا أَحَدَتْ الْعِبَادَ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ»

و مردم مسلمان و مومن را نیز در بر میگیرد، در پاسخ میگوییم آتش که بیاید تر و خشک با هم میسوزند، لذا بلا که آمد لاجرم برخی انسانهای بیگانه هم در آن گرفتار خواهند شد که اجر و مزد آنها محفوظ خواهد بود. احتمال دوم این است که این ویروس به خاطر تضرع و برگشت انسان به سوی خداست. قرآن کریم میفرماید: « هر آینه بر امتهایی که پیش از تو بودند، پیامبرانی فرستادیم و آنان را به سختیها و آفتها دچار کردیم تا مگر زاری کنند. <sup>۱</sup>» این آیه نیز از سنتهای الهی است. گاهی انسانها آنقدر از خداوند متعال دور شده و در مادیات غرق میشوند که خود را از خدا بی نیاز دیده و با خود فکر میکنند که دیگر خدایی برای عالم وجود ندارد و انسان با عقل و دانش خود به تمام اهدافش میرسد. اینجاست که این انسان ضعیف نیاز به تبتّه و گوش مالی دارد، لذا خداوند متعال او را به بلا و مصیبت دچار میکند تا به خود بیاید و تضرع کرده و خدا را بخواند، این سنت در طول تاریخ همواره وجود داشته است، بیماریهایی مانند وبا و طاعون و... از این قبیل اند. در این سالهای اخیر نیز با پیشرفت دانش پزشکی و پیشرفت مادی و امکانات انسان، بسیاری از کشورهای جهان به خصوص کشورهای اروپایی و آسیای شرقی، خود را بی نیاز از خدا دیده و با خود میگفتند خدایی لازم نیست و دیگر نیازی به خالق نداریم؛ این بیماری و امثال آن درسی بود به این انسان ضعیف و ذلیل که متوجه باشد، بدون اذن و اراده الهی هیچ چیزی نیست و با همه این امکانات، هم نمیتواند او را نجات دهد. بنابراین تضرع انسان و یاد خدا در زندگی مادی انسان میتواند دلیلی بر شیوع این نوع بیماریها باشد.

۱ - انعام: ۴۲، ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾

خدایی که از همه کس و همه چیز قویتر است چگونه نتوانست در مقابل یک ویروس نامرئی از زائران خودش مراقبت کند؟

پاسخ:

در پاسخ به این شبهه به چند نکته باید توجه نمود:

- ۱- خداوند قدرت برهرکاری دارد ولکن اراده کرده است که جهان طبق قوانین خاص اداره شود. این قوانین جز در موارد استثنائی و خاص تغییر نمی کند
- ۲- از جمله مواردی که مورد اراده تکوینی الهی قرار گرفته است؛ مختار بودن انسان است.
- ۳- اگر بگوئیم (خداوند توانائی حفاظت از بندگان در برابر ویروس را ندارد) به دو مرحله قابل تحلیل است. اولاً قدرت خدا ثانیاً اختیارانسان. اما مطلق بودن قدرت خداوند به معنای انجام دادن هرکاری نیست بلکه خدای حکیم امور را از مجرای خودش ایجاد می کند؛ مجرای امور هم قوانین طبیعت است و از جمله قوانین طبیعی این است که هر موجودی تاثیر گذار در طبیعت است؛ حال این تاثیرات ممکن است مطابق یا مخالف امیال انسانی باشد. نکته این است که تمام قوانین عالم به نفع انسان است منتها جهل سبب شده که برخی موارد انسان قوانین و برخی موجودات را خلاف میل خود می پندارد، حال اگر خداوند عالم قادر حکیم، جهان را مطابق امیال انسانی که ضعف قدرت، علم و حکمت دارد، خلق کند

مستلزم نقص در طبیعت و فساد در عالم است. بنابراین وجود ویروسی مثل کرونا و... مطابق حکمت و علم الهی است که باید موجود شود- فعلا عدم دخالت انسان را مفروض می‌گیریم. در مورد اختیار انسان هم، اگر ویروس کرونا مطابق امیال و خواسته‌هایش نیست باید از اختیاری که خداوند به او عطا کرده استفاده کند و با تقویت قدرت علمی بر این ویروس مثل سایر ویروس‌ها غلبه کند.

در اسلام خداوند را قادر و عالم و مهربان می‌دانیم که خالق تمام موجودات و منشأ خیر و نیکی است. در این صورت، این سؤال پیش می‌آید که چرا خدا ویروس‌های خطرناکی مثل کرونا را ایجاد می‌کند و یا جلوی ایجاد این ویروس‌های خطرناک را نمی‌گیرد؟ یا خدا اصلا موجود نیست و یا اگر موجود است، یکی از اوصافش که برایش ذکر کردیم را ندارد و تصور ما از خدا اشتباه است؟

پاسخ:

مقدمه: یکی از مسائلی که در مواجهه با هر بیماری و بلای مطرح می‌شود، از این قرار است که اگر خداوند عالم و قادر و خیرخواه است، چرا این بیماری را ایجاد کرده و یا مانعش نمی‌شود. در ادامه، با ارائه نکاتی مشخص می‌شود که وجود بیماری و مشکلات و شرور، با وجود خداوند یا یکی از اوصاف او منافات ندارد:

نکته اول: به نظر می آید سوال کنند مفاهیم «خیر» و «شر» را صرفاً با نیازها و ویژگیهای انسان سنجیده است که اگر چیزی برای انسان خوب است پس خیره واگر زیان داشته باشد خطرناک و مضرّ شره در حالی است که نباید ساحت هستی را تنها از نگاه تنگ انسانی نگریست. چراکه چه بسا امور، اشیاء و موجوداتی که به نسبت انسان ها مضرّ و خطرناک شمرده شود ولی اما در کل نظام و سیستم هستی، لازم و مفید داشته باشد. حتی یک پدیده می تواند برای انسان کاملاً سودمند و خیر بوده و برای دیگری شر باشد. به عنوان مثال بارش برف برای راننده درون جاده خوب نیست چراکه احتمال لغزش و تصادف او را بیشتر می کند ولی همان برف ارزش فوق العاده ای برای کشاورز کنار جاده داشته و خوب تلقی می شود. آیا راننده حق دارد صرفاً به جهت آنکه برف برای او مضر است، زبان به گالیه و شکوه گشوده و خداوند را در خلقت برف سرزنش کند؟ آیا خداوند، فقط خدای او است؟! بنابراین بیماری که یک شر طبیعی و نسبی است، چیزی جز سیر طبیعی یک ویروس و یا یک میکروب برای تولید مثل و ازدیاد نسل خودش نیست که البته این سیر با برخی از شرایط و حالات در تعارض است و انسان از آن با عنوان بیماری و شر یاد می کند؛ اما آیا این ازدیاد نسل برای ویروس و نظام خلقت هم شرّ است؟!

نکته دوم: امروزه در علم پزشکی ثابت شده است که وجود میکروب ها و ویروس ها برای حیات و زندگی در کل هستی ضروری بوده و حتی آن دسته از باکتری ها و ویروس هایی که سلامت انسان را به خطر می اندازند، در یک نگاه کلی سبب رشد و تکامل سیستم های بدن خصوصاً سیستم ایمنی و رشد اندام در وجود انسان را فراهم می کند. کما اینکه در واکنس و عفونت های ویروسی در سنین کودکی و جوانی برای اطمینان از پیشرفت و تکامل

سیستم ایمنی بسیار مهم هستند. علاوه بر این، سیستم ایمنی به صورت مداوم توسط ویروس های سیستماتیک تحریک می شود تا بتواند در برابر عفونت های دیگر مقاوم شود. برخی از ویروس ها نیز از بدن در برابر سایر آن ها محافظت می کند. به عنوان مثال، ویروس نهفته تبخال (بدون علائم) می تواند به نوع خاصی از گلبول های سفید بدن کمک کند تا سلول های سرطانی و آلوده به عوامل بیماری زا را شناسایی کند .

در نتیجه در اینجا دو مطلب وجود دارد. اگر خداوند مانع خلقت ویروس ها و باکتری ها بشود، هستی را از وجود موجودات لازمه خودش خالی کرده و این خود شر واقعی برای خلقت رقم زده است؛ و حتی برای حیات برخی انسان ها، مشکلاتی را به وجود بیاورد. حال سؤال این است که آیا منع خلقت یک نوع حیات بخش، به جهت مشکلاتی که برای برخی از گونه های آن وجود آورند، خود مصداق ظلم و شر در کل سیستم موجودات هستی نیست؟ آیا می توان به صرف آنکه برخی در آتش سوخته اند، اصل خلقت آتش (با آن همه فواید و سودمندی آن) را زیر سؤال برد؟!

نکته سوم: ممکن است بگویید که چرا خداوند کاری نمی کند که ویروس درجایی که مفید است به کار خود ادامه داده و درجایی که قرار است به انسان ضرر برساند، متوقف شود؟

در پاسخ می گوییم: نظام احسن خلقت، بر اساس قانون کلی دقیق، مشخص و منظم علت معلول ساختار بندی شده است و نمی توان انتظار داشت که رفتار طبیعی موجودات در مواضع گوناگون برخلاف قانون خودشان تغییر کند. به عنوان مثال نمی توان انتظار داشت

که رفتار طبیعی آب (که به جهت خاصیت سیالیت که همواره ضامن حیات است) در حالت های مختلف تغییر کرده و درجایی که قرار است انسان در آن غرق شود، ناگهان قانون و خاصیت سیال بودن خود را زیر پا بگذارد! این نه تنها خلاف شاخصه های ذات اب است بلکه نشان از هرج و مرج و عدم قانونمندی و استواری آفرینش است. مضاف بر اینکه اساس تعامل موجودات نیز درگیر بی نظمی خواهد شد و دیگر هیچ قانون و نظریه علمی توسط دانشمندان در فرایند شناخت و آزمایش قابل پیش بینی و اثبات نخواهد بود، مثلاً نباید توقع داشت که ویژگی سوزاندگی آتش و یخ زدگی آب در سرمای شدید هنگام استفاده های مفید از ان باقی بماند!

نکته چهارم: نمی توان همواره همه گونه های بیماری را معلول شرایط طبیعت دانست بلکه بشریت با سوء مدیریت موجب آسیب رساندن به محیط زیست شده و تیشه بر ریشه ی خودش زده است مثلاً با تخریب لایه ازن موجب می شود نور خورشیدی که این همه فوائد دارد به انسان ضرر برساند.

نکته پنجم: آیا انسان با بی توجهی به راه عقلانی و الهی در اتخاذ سبک نا صحیح زندگی باعث نشده سیستم ایمنی و سلامت بدنش را دچار ضعف نماید مثلاً آیا با پر خوری، بد خوری و بد خوابی زمینه ضربه پذیری هر چه بیشتر بدنش را توسط موجودی همچون ویروس کرونا فراهم ننموده است.

نکته ششم: با توجه به نظر برخی آیا امکان ندارد این ویروس کرونا توسط انسان ها در آزمایشگاه به عنوان یک ترور بیولوژیکی علیه کشورهایی دیگر تولید نشده است گرچه در

فرایند های بعدی از کنترل خارج شده باشد که در این صورت، خیانت کاران زشت نگر و شیطان صفت مسئول اند و مسلما در محضر عدل الهی به زودی محاکمه و مکافات خواهند شد.

نکته هفتم: اینکه تاریخ زندگی بشریت نشان می دهد که اکثر پیشرفت های علمی، عملی و مهارتی بشر در پرتو همین محدودیت ها و بلاها صورت پذیرفته است چرا که بشر با خروج از منطقه امن و آرامش و درگیر شدن با موانع، گرفتاریها و بلاها اقدام به تلاش برای یافتن مسیر تازه نجات افرین می کند.

کما اینکه سر امتحانات غیر از این است که انسانها با تحمل سختیها به مدارج بالاتر می روند از این روی نباید از به چالش کشیده شدن بترسید، چراکه زمانی مهارت های انسانها شکوفا می شود که در محدودیت و مشکلات قرار بگیرند در همین صورت است که او با بهرمندی از مهارت ها و یادگیری های می تواند به نظریه و دانش جدید دست یابد.

نتیجه: بنابراین، وجود ویروس جزء نظام حکیمانه و عادلانه کل خلقت الهی است و حتما دارای فوائد و خیراتی برای این جهان بوده است و اینکه برای برخی همچون انسان در بعضی زمانها شر نسبی باشد این نیست مگر یا بخاطر لوازم و قوانین تزاخمی حاکم بر این دنیای مادی است یا بخاطر عدم استفاده صحیح از طبیعت بوده یا بخاطر سوء نیت و کینه توزی برخی انسانهاست و دیگر اینکه تاریخ زندگی بشریت نشان می دهد که اکثر پیشرفت های علمی، عملی و مهارتی بشر در پرتو همین محدودیت ها و بلاها صورت پذیرفته است

و در نتیجه منافاتی میان خدای خیرخواه و ویروس های خطرناک نیست. بله آنچه خداوند انجام داده است عین خیر، نظم و حکمت برای جهان هستی است!

## عدالت الهی

اگر کرونا برای عذاب است، چرا همه گیر شده؟ یعنی همه ما آن قدر گناهکاریم که خداوند با ما مثل قوم لوط و ثمود برخورد می کند؟ بالاخره هنوز آدم های خوب هم هستند. چرا آن ها عذاب بکشند، وقتی خوب اند؟!

پاسخ:

مقدمه: گاهی یک قوم یا ملت چنان غرق در گناه می شوند که امیدی به توبه و تغییر در آن ها نیست. بر همین اساس، خداوند آن ها را در همین دنیا عذاب کرده و نابود می کند. با عنایت به شیوع ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن، این گمان برای گروهی پیش آمده که این بیماری نوعی عذاب و پیرانگر برای عموم مردم است. با نظر به نکاتی مشخص می شود که این بیماری علل دیگری دارد و به مثابه عذابی که یک قوم را ناگهان نابود می کند، نیست.

نکته اول: با استفاده از متون دینی می توان فهمید که بیماری و سختی و مشکلات، همیشه برای عذاب نیست بلکه گاهی زمینه ای است برای آزمون مؤمنان تا صبر و استقامت

بورزند و سزاوار بهشت گردند. همچنین گاهی بیماری و مشکلات برای مؤمنان، کفاره و جبران گناه است. دقت شود که کفار گناه، نوعی لطف و رحمت است که شامل مؤمنان می‌شود تا با روحی پاک به سرای دیگر وارد شوند و از گزند عذاب سخت اخروی مصون بمانند: «چون خدای عزوجل بخواهد بنده گناهکارش را گرامی بدارد و گناهانش را پاک نماید، او را بیمار می‌سازد؛ و اگر چنین نکند، او را محتاج می‌سازد؛ و اگر چنین نکند، مرگ را بر او سخت می‌کند تا از این طریق، گناهش پاک شوند.<sup>۱</sup>» همچنین گاهی بیماری برای ترفیع درجه است؛ چنانکه در روایات آمده «در بهشت مقامی است که هیچ بنده‌ای به آن نرسد، جز با بلائی که در دنیا به بدنش رسد<sup>۲</sup>» بلکه گاهی هم بیماری و بلاهای آسمانی و زمینی، برای عذاب یک قوم ظالم است؛ چنانکه قوم ثمود و لوط مستحق چنین عذابی شدند. با این توضیحات مشخص می‌شود این تلقی اشتباه است که هر مشکل و بیماری و بلائی، لزوماً از سنخ عذاب و یا حتی از سنخ کفار گناه باشد، بلکه گاهی امتحان و گاهی برای ترفیع درجه و غیره است. «بلا برای ظالم ادب نمودن و تنبیه کردن است، برای مؤمن امتحان است، برای انبیاء درجه است و برای اولیاء کرامت<sup>۳</sup>». بنابراین، نباید چنین تلقی کرد که هر بلائی عذاب است، آن هم از نوع عذاب های قوم ثمود که خداوند از آن‌ها قطع امید کرده و درصدد نابودی و ریشه کن کردن ظالمان آن قوم است.

۱ - کافی / ج ۲ / ص ۴۴۴، «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذُنُوبٌ إِيْتَاةً بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَهُ إِيْتَاةً بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ»  
 ۲ - همان ص ۲۵۵، «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْرَلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِيْتَاءِ»  
 ۳ - محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار / ج ۶۴ / ص ۲۳۵، «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ»

نکته دوم: مطلب بعدی این که عذاب های قوم لوط و ثمود، به منظور ریشه کن کردن آن قوم به سبب ناامید شدن از توبه و بازگشت آن ها است. همین که می بینیم این بیماری در مؤمن و کافر به یک شکل عمل می کند و جان آن ها را می گیرد، روشن می شود که این بیماری برای مؤمنان از سنخ عذاب قوم ثمود نیست. چگونگی می شود کسی مؤمن باشد اما خداوند درصدد ریشه کن کردن او باشد؟! حتی عذاب قوم ثمود و لوط نیز به گونه ای بود که مؤمنان نجات می یافتند و مشمول عذاب شدید نمی شدند. درباره نجات اهل ایمان در جریان قوم حضرت صالح (ع) آمده است: « یعنی وقتی فرمان مجازات ما در رسید، صالح و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خود رهانیدیم و از رسوایی آن روز نجات دادیم<sup>۱</sup>». بنابراین، اهل ایمان و افراد بی گناه حتی از عذاب های قوم ثمود و لوط نجات می یابند؛ از این رو، نباید بیماری مؤمنان را از نوع عذاب دانست. نتیجه: ابتلا به بیماری گاهی برای امتحان یا ترفیع درجه و یا کفاره گناهان است و لزوماً عذاب نیست؛ چه برسد به عذاب هایی شبیه به عذاب قوم ثمود که پس از آن ناامیدی از توبه، شامل ظالمان آن قوم شد.

**اگر بیماری کرونا برای عذاب یا امتحان ما است، کودکان چه تقصیری دارند؟ آیا این عادلانه است؟ آیا خداوند واقعاً عدالت را رعایت کرده است؟**

۱ - هود: ۶۶، ﴿فَلَمَّا جَاءَ أُمَّرْنَا نَجِّنَا صَالِحاً وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يُومِنِينَ﴾

پاسخ:

نکته اول: هرچند ممکن است یکی از عوامل بیماری و دشواری در زندگی، عدم اطاعت از فرامین الهی و در حقیقت مکافات اعمال بد انسان باشد ولی این گونه نیست که هر جا بیماری وجود دارد، مصداقی از مصادیق عذاب الهی است! آری، برخی از این اتفاقات ناگوار، منشأ انسانی داشته و عملکرد انسان ها در نوع مناسبات و اتفاقاتی که در یک منطقه و یک دوره می افتد، مؤثر است. همچنانکه قرآن کریم در این خصوص می فرماید: « به سبب اعمال مردم، در بر و بحر فساد آشکار شد تا جزای بخشی از اعمالی را که انجام داده اند به آنها بچشانند شاید بازگردند.»<sup>۱</sup> اما باید توجه کرد که گاهی هم این اتفاقات ارتباطی به عملکرد انسان ندارد؛ چنانکه ممکن است باران و برف در منطقه ای به جهت شرایط جغرافیایی که دارد بیشتر از نقاط دیگر بیارد، نظیر مناطق استوایی و یا مناطقی که در مجاورت دریاها متعدد قرار داشته و ابرهای باران زای بیشتری در آن منطقه فعال اند؛ تا جایی که می توان دوره های مختلف خشک سالی و ترسالی آینده را نیز تا حدودی با ابزار علمی و بر اساس فرمول های کاملاً طبیعی پیش بینی کرد. و نیز ممکن است شیوع برخی از بیماری ها به جهت مساعد بودن شرایط جوی در برخی مناطق بیش از مناطق دیگر باشد. در این صورت دیگر نمی توان ظهور و یا شیوع یک بیماری را مستقیماً مکافات عمل و عذاب الهی نسبت به بندگان دانسته و از این باب برای ما سؤال شود که چرا کودکان دچار بیماری می شوند؟

۱ - روم: ۴۱، ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

نکته دوم: در نگرش مبتنی بر جهان بینی دینی و الهی، عالم هستی مجموعه ای به هم پیوسته و منسجم است که مخلوق یک موجود کامل مطلق بشمار می آید. ازاین رو همه موجودات عالم بر هم تأثیر داشته و از همدیگر متأثر می شوند<sup>۱</sup>. در نتیجه، حوزه تأثیر رخدادهای طبیعی و اعمال انسان تنها به حیطه شخصی او مربوط نشده و می تواند زمان ها و مکان های دیگر را نیز درنوردد؛ به این معنا که ممکن است رخدادی طبیعی مثل زلزله و یا ظلم ما به یک فرد یا خانواده تا مدّت ها در کودکان و حتی نسل های بعد نیز تأثیر بگذارد<sup>۲</sup>. روشن است که هیچ کدام از این موارد مربوط به عذاب الهی نبوده و فعل مستقیم خداوند به حساب نمی آیند تا گفته شود کودکان تقصیری نداشته اند و چرا خدا آن ها را عذاب کرده؟

نکته سوم: یکی از سنت های الهی، امتحان انسان ها است که انواع مختلفی دارد و حتی شامل مرگ و زندگی نیز می شود: گاهی به فقر، گاهی ثروت، گاهی به خوشی و گاهی به ناخوشی، گاهی به پیری و گاهی نیز به جوانی امتحان می شود. از این رو، هر ناخوشی و فقر و بیماری را نباید عذاب دانست، بلکه ممکن است زمینه امتحان آدمی و تعالی روح او باشد و از این منظر، هیچ اشکالی ندارد که کودکان نیز امتحان شوند. به عبارت دیگر تربیت و تکامل انسان، قانون و سنت دائمی پروردگار است که برای شکوفا کردن استعداد های نهفته و به فعلیت رساندن آن ها و در نتیجه پرورش بندگان، آنان را می آزماید؛ یعنی همان گونه که فولاد را برای استحکام بیشتر در کوره میگدازند تا آبدیده گردد، آدمی را در کوره حوادث سخت، پرورش میدهند تا مقاوم شود. امتحان انسان به سختیها وسیله ای است برای تکمیل

۱- عبدالله جوادی آملی، «اسلام و محیط زیست»، ص ۱۸۵.

۲- نساء: ۹، «وَلْيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»

و تهذیب بیشتر نفس انسان و خالص شدن گوهر وجودی او. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای که به عثمان بن حنیف فرماندار بصره نوشته‌اند، می‌فرماید که: در ناز و نعمت زیستن و از سختیها دوری گزیدن موجب ناتوانی می‌گردد و زندگی در شرایط دشوار، آدمی را نیرومند و چابک می‌سازد و جوهر هستی او را آبدیده و توانا میگرداند، در قسمتی از آن نامه آمده است: «درخت بیابانی چوبش سختتر است و درختهای سبز و خرم پوستشان نازک تر و گیاهان بیابانی شعله آتششان افروخته‌تر و بادوامتر است.<sup>۱</sup>» قرآن کریم به این انگیزه در امتحان خداوند تصریح میکند و میفرماید: «و تا خداوند آنچه را که در سینه‌های شماست بیازماید و آنچه در دل‌های شماست، مصفا سازد و خداوند از آنچه در سینه‌ها است آگاه است.<sup>۲</sup>» در نتیجه امتحان الهی که نتیجه آن تکامل و رشد انسان است، اختصاصی به بزرگ سالان و افراد بالغ ندارد و از جهات منافی که دارد، کودکان نیز می‌توانند در معرض آزمون الهی قرار گیرند تا رشد کرده و متکامل شوند.

نکته چهارم: هیچ کس مدعی آن نیست که اتفاقات و مناسبات عادی در این دنیا عادلانه بوده و باید به دنبال عدل محض در همین عالم بود! بلکه برعکس باید توجه داشت که اساساً عالم دنیا ظرفیتی برای چنین حدّ از عدالت را ندارد و ناگزیر باید بر این باور باشیم که در جهانی دیگر، عدل الهی به شکل کامل، ظهور و بروز خواهد یافت. اتفاقاً آنچه به عنوان مقدمه برهان عدالت برای اثبات زندگی پس از مرگ ارائه شده است، همین مطلب است. در

۱ - نهج البلاغه/نامه ۴۵ «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرْيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالرَّوَابِعَ الْخَصِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالنَّائِبَاتِ الْعُدِيَّةَ أَقْوَى وَقُوداً وَ أَبْطَأُ خُمُوداً.»

۲ - آل عمران: ۱۵۴ ﴿وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾

همین راستا، به رنج و عده داده شده که در سرای دیگر، به واسطه رنجی که تقصیری در آن نداشته اند، از اجر و پاداش برخوردار گردند. امام صادق (علیه السلام) درباره پاداش برخی مصائب در زندگی انسان که از مصادیق آن بیماری است، می فرماید: «چنانچه مؤمن می دانست که در مصیبت هایش چه مقدار پاداش دارد، هرآینه آرزو می کرد که اجزای بدنش با قیچی چیده و قطعه قطعه شود!».

نتیجه: کوتاه سخن این که ظهور و شیوع یک بیماری همواره به معنای عملکرد بد انسان و یا عذاب الهی نیست تا گفته شود چرا کودکان عذاب می شوند بلکه بخشی از بلا یا ناشی از مداخله انسان و یا عملکرد طبیعی اشیاء است و برخی نیز به منظور امتحان و تعالی. در مجموع، اگر به کودک شرّی وارد شد که تقصیری در آن نداشت، قطعاً خداوند آن را برایش در دنیا یا آخرت جبران می نماید.

۱ - محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی / ج ۲ / ص ۲۵۵ «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَتَّى أَنَّهُ قُرْصٌ بِالْمَقَارِضِ»

## تدبیر الهی

آیا خداوند تدبیر جهان را به انسان واگذار کرده است؟ اگر واگذار کرده پس چرا مشکلات را به گردن خدا می اندازیم و از او انتظار معجزه و مداخله در رفع بیماری کرونا داریم؟ اگر هم واگذار نکرده چرا خداوند مداخله نمی کند و بیماری کرونا را ریشه کن نمی کند؟

پاسخ:

مقدمه: خداوند خالق و مدبر هستی است و هیچ چیزی از گستره خلقت و تدبیر او خارج نیست؛ اما نباید این حقیقت را به معنای آن گرفت که هر پدیده ای مستقیماً مخلوق خدا است و انسان ها هیچ مسئولیت و اختیاری ندارند.

نکته اول: در ابتدا باید گفت هیچ تردیدی نیست که همه رخدادها در جهان خلقت به مشیت و اراده الهی صورت میگیرد و هیچ امری خارج از دایره قدرت الهی نیست. به عبارت دیگر مؤثر اصلی در ساحت هستی در نهایت خداست و هر آنچه در این ساحت رقم می خورد، با اراده و علم الهی است. چنانکه قرآن کریم حتی افتادن برگ از درخت را در دایره علم الهی معرفی نموده است: « و خداوند آنچه در خشکی و دریاست میداند و هیچ برگی

فرو نمی افتد مگر اینکه آن را میداند<sup>۱</sup>» در نتیجه هر کاری که از انسان سر میزند، به مشیت الهی است. اما سخن به همین جا ختم نمی شود! چراکه خداوند اراده کرده است که انسان نیز اراده داشته باشد.

توضیح مطلب اینکه، انسان غیر از جماد، نبات و حیوان است و تفاوتی عمده و اساسی با دیگر موجودات دارد، چراکه دارای اختیار است و خداوند خواسته است که انسان با اختیار خویش، کارها را انجام دهد. اختیار انسان در طول مشیت الهی است؛ یعنی خداوند خواسته که انسان توان خواستن و انتخاب را داشته باشد. به همین خاطر اگر شما بتوانید تمام علل و عوامل مورد نیاز برای انجام کاری را فراهم نموده و بر آن اقدام نمایید، آن واقعه اتفاق خواهد افتاد. از آنچه تاکنون بیان شد روشن می شود که هر رخدادی که به صورت ارادی از انسان حاصل می شود، هم مستند به اراده و اختیار انسان بوده و هم باید مشیت و خواست الهی، جواز و اذن آن را داده باشد. در نتیجه آن دوگانه ای که شما در سؤال بدان اشاره فرمودید که «یا تدبیر جهان به دست خداست یا به دست انسان» درست نیست، چراکه حالت سومی نیز برای این مسئله وجود دارد و آن این است که تدبیر جهان به دست انسان و با مشیت و اذن الهی باشد؛ این در واقع تفسیری است بر اساس حقیقتی که در لسان اهل بیت (علیهم السلام) با عنوان «امر بین الامرین» معرفی شده و در مقابل دو نظریه جبر و تفویض قرار دارد.

۱- انعام: ۵۹، ﴿يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا...﴾

می‌توانیم با یک مثال ساده این مطلب را بیشتر روشن کنیم. فرض کنید در زیر درخت سیب، فرزند کوچکی بر روی شانه‌های پدر خویش نشسته و بدین واسطه می‌تواند به سیب‌های روی درخت دست یافته و آن را بچیند. حال سؤال این است که اگر فرزند، سیبی را از درخت چید، این فعل اوست یا فعل پدر؟ پاسخ این است که هر دوی ایشان به نحو توأمان و طولی در چیده شدن این سیب مؤثر بودند، اگر پدر امکان دسترسی کودک را فراهم نمی‌کرد، سیب چیده نمی‌شد و باز اگر کودک اراده‌ای برای چیدن سیب نداشت بازهم این اتفاق نمی‌افتاد. در نتیجه هر دو مؤثر در این فعل بوده‌اند.

نکته دوم: بنا بر آنچه گذشت امر جلوگیری از گسترش یک بیماری تنها فعل انسان (بدون در نظر گرفتن خداوند) نیست تا گفته شود، دعا و عنایت الهی و در نهایت مداخله حضرت حق در این مسئله تأثیری ندارد؛ و از سوی دیگر این امر، تنها منوط به فعل خدا (بدون لحاظ اختیار و اراده انسان) نیست تا دخالت انسان و تلاش او در این مسئله کاملاً بی‌تأثیر باشد. بلکه باید هر انسانی تمام تلاش خود را برای جلوگیری از گسترش بیماری‌های خطرناک انجام دهد و در ادامه از خداوند منان و عنایات او نیز استمداد بطلبد. همچنانکه قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست میدارد.»<sup>۱</sup> «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»<sup>۲</sup> بنابراین، اگر کسی تلاش نکند و

۱- آل عمران: ۱۵۹، ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾

۲- عنکبوت: ۶۹، ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

فقط چشم به راه اجابت دعا و معجزه باشد - به تعبیر امام علی (علیه السلام) - همانند کسی است که «بی چله کمان، تیر می اندازد»<sup>۱</sup>.

نکته سوم: البته نباید از این نکته غافل شد که گاهی خداوند از طریق غیر عادی، کارهایی را انجام می دهد و مثلاً مردگان را زنده و یا بیماران را شفا می دهد؛ چنانکه عیسی (علیه السلام) به اذن او چنین نمود و بیماران را شفا داد و مردگان را زنده کرد. البته این معجزات و کارهای خارق العاده، در موارد نادری رخ می دهد و چون در محدوده علم ما نیست، نمی دانیم حکمت الهی چه زمانی، وقوع چنین معجزاتی را لازم می داند و چه زمانی نه. از این رو، هم موظفیم دعا کنیم و به رحمت و قدرت نامحدود خدا امیدوار باشیم و هم موظفیم به حکمت خدا اعتماد کنیم و کارهای عادی مؤثر در درمان بیماری را بپیماییم چرا که ممکن است در این مورد حکمت خداوند چنین اقتضا کرده باشد که شفا نه از طریق معجزه بلکه از طریق انجام کارهای متعارف انجام گیرد؛ چنانکه در روایتی آمده «أبی الله أن یجری الاشیاء إلا بالاسباب فجعل لكل شیء سبباً؛ خداوند ابا می ورزد از این که کارها را جز از طریق علل و اسباب انجام دهد و به همین جهت، برای هر کاری سبب و علتی قرار داد»<sup>۲</sup>.

نتیجه: بنابراین، خداوند خالق و مدبر هستی است و چون انسان ها را مُختار آفریده، از آن ها انتظار دارد برای تدبیر زندگی و رفع بیماری و مشکلات، کوشش و تلاش کنند و صرفاً چشم انتظار مداخله خداوند در هستی نباشند؛ اما نباید مسئولیت انسان در برابر زندگی

۱ - نهج البلاغه / حکمت / ۳۳۷، «الدّاعی بلا عملٍ کالرّامی بلا وترٍ»

۲ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی / ج ۱ / ص ۱۸۳

خودش را به معنای استغناى از خدا دانست. برای رفع مشکلات هم باید تلاش و کوشش کرد و هم باید به خداوند توکل کرد و از او کمک خواست.

اگر خداوند تدبیر جهان را به انسان واگذار کرده، انتظار معجزه و دخالت در طبیعت از خدا درست نیست و اگر تدبیر جهان به دست خداست پس چرا جلو مریضی کرونا را نمی گیرد؟

پاسخ:

با توجه به اینکه خداوند خالق و مدبر هستی است و هیچ چیز از تحت سیطره او خارج نیست باید گفت:

اولا موثر اصلی در عالم خداست و همه چیز با علم و قدرت او محقق می شود؛ قرآن کریم هم خشکی و دریا و حتی افتادن برگ درختان را در حیطة قدرت الهی می داند (مانده آیه ۵۹) بنابراین کارهای انسان نیز قطعا تحت قدرت و سلطه الهی قرار دارند. منتها از انجا که خداوند اراده کرده انسان نیز اختیار داشته باشد؛ تمام کارهای ارادی انسان هم مستند به تدبیر انسان و هم مشیت و خواست خداوند است. بقول معروف تدبیر با انسان است و با مشیت و اذن الهی محقق می شود.

ثانیا با توجه به مقدمه اول جلوگیری از گسترش یک بیماری تنها اراده الهی نیست تا انسان دست بسته بماند و فقط هم با تدبیر انسان امکان جلوگیری نیست بلکه باید هر انسانی

تمام تلاش خود را انجام داده و از خداوند هم استعانت خواسته و بر او توکل کند. بنابراین تلاش نکردن و منتظر اجابت دعا ماندن همان تیر انداختن بی کمان است و تلاش کردن بدون توکل بر خدا نرسیدن به هدف و مقصد است.

در نهایت اینکه: اگر در مواردی استثنائی و خاص به صورت معجزه و خارق العاده کارهائی انجام گرفته است بسیار نادر بوده و چون علم ما به مواردش تعلق نمی گیرد نمی دانیم در چه محدوده زمانی و مکانی علم خداوند به آن تعلق گرفته یا خواهد گرفت. بنابراین با توجه به اینکه خداوند امور را فقط از طریق اسباب انجام می دهد، نباید دست از تلاش و توکل برداشت.

## خانه خدا

**مکه حرم امن الهی است، حال چگونه است که با یک ویروس ناامن شده است؟**

پاسخ:

در پاسخ به این شبهه به عنوان مقدمه باید گفت در اینکه مکه و اطراف آن سرزمین امن الهی است هیچ شکی وجود ندارد منتها:

(۱) منظور از حرم امن الهی بودن حکم تشریعی است نه تکوینی به این معنی که مراد خداوند این نیست که میکروب و سیل و سایر بلایای طبیعی در مکه اثر گذار

نیست؛ خیر باران زیاد سیلاب ایجاد می کند و سیلاب هم تخریب در پی دارد و ممکن است خانه خدا را هم ویران کند؛ همانطور که در طول تاریخ بوده است همچنین عدم رعایت بهداشت ایجاد مریضی می کند و خداوند هم مانع نمیشود چه در بیابان باشد چه کنار خانه خدا. بنابراین اینجا که حرم را امن معرفی کرده؛ بیان حکمی تشریحی است؛ در حکم تشریحی هم وظیفه بر دوش مکلف است یعنی مومنین نباید اجازه فساد و تجاوز در حرم امن الهی به کسی بدهند. چرا که این حرم برای اهل ان، برای کسانی که وارد شوند و حتی برای حیوانات محل امنی است. اصلاً اینکه فرموده «مشرکین نجس هستند و داخل مسجد الحرام نشوند»<sup>۱</sup> به خاطر این است که خبث باطن دارند و ممکن است امنیت مکه را به هم بزنند. سوال این است که منظور خداوند از اینکه فرمود: مشرکین وارد مسجد الحرام نشوند. آیا این بوده است که خود ش مانع ورود مشرکین خواهد شد یا تکلیفی است برعهده مومنین که نباید اجازه ورود بدهند؛ قطعاً هر عاقلی می فهمد مراد تعیین تکلیف بر مومنین است

(۲) در حالی که خداوند اراده کرده است امور عالم را در مجاری خاص طبیعی قرار دهد- و از بکار گیری امور خارق العاده اجتناب کرده مگر در موارد خاصی که انهم تقاضای مردم از پیامبر ان بوده است- غالباً انسانها برای فرار از مسولیت سعی میکنند خودشان را مخاطب دستورات و تکالیف نبینند. اگر قرار باشد این باب فرار از مسولیت باز باشد بعداً خواهند گفت چرا مسواک بزنیم مگر خداوند

۱ - توبه: ۲۸، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ﴾

نمی تواند دندان ما را سالم نگه داشته از ورود میکروب به دهان جلوگیری کند؟! و این رشته سردراز داشته حد یقفی نخواهد داشت.

❖ نتیجه اینکه مراد از امن بودن حرم به معنای نبود هیچ بلائی نیست بلکه مراد امنیت از قتل و غارت و.. است که قبل از اسلام نیز بوده است. اما به معنای امنیت از هر گونه شر و بلای طبیعی و انسانی نیست. بنابر این کاملاً طبیعی است که با وجود زائران مبتلا به ویروس کرونا یا هر ویروس واگیرداری مثل انفلوانزا و ... دیگر زائران هم مبتلا به ویروس شوند. پس کاملاً معقول و ضروری است که حرم امن الهی ضد عفونی و بهداشتی شود.

آیه شریفه ۹۷ آل عمران برای مکه دو نشانه بیان می کند: ۱- وجود مقام ابراهیم و ۲- امنیت برای کسانی که داخل مسجد الحرام شوند. حال سوال این است که مراد از امنیت عام است و همیشگی می باشد؟

پاسخ:

در پاسخ به این شبهه به عنوان مقدمه باید گفت در اینکه مکه و اطراف آن سرزمین امن الهی است هیچ شکی وجود ندارد ولی:

اولا خداوند با قاطعیت مکه را حرم امن معرفی کرده و امنیت را برای هر کسی که وارد آن شود لازم دانسته است.<sup>۱</sup>

ثانیا به سبب حرمت و احترام ان مکان برخی موارد مثل جنگ و ... در ان حرام شناخته شده و نامهایی همچون المسجد الحرام<sup>۲</sup>، المشعر الحرام<sup>۳</sup> و البيت الحرام<sup>۴</sup> و الشهر الحرام<sup>۵</sup> را برای ان انتخاب کرده است.

ثالثا خداوند فرموده است در مسجد الحرام با آنان (کفار) نجنگید، مگر آنکه در انجا با شما بجنگند. پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کفر کافران چنین است.<sup>۶</sup>

❖ نتیجه اینکه امنیتی که خداوند برای مکه معرفی کرده است، به طور عام و مطلق نیست؛ بلکه جنگ و خونریزی را ممنوع اعلام کرده است و این امنیت ممکن است توسط انسانها زیر پا گذاشته شود همانگونه که در طول تاریخ این اتفاق افتاده است. بنابراین نمی

- ۱- آل عمران: ۹۷، ﴿فِيهَا آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا يُرَاهِمُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾
- ۲- بقره: ۱۴۴، ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾
- ۳- ﴿فِيهَا آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا يُرَاهِمُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾
- ۴- مانده: ۲، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَ...﴾
- ۵- بقره: ۱۹۴، ﴿الشَّهْرَ الْحَرَامَ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۶- بقره: ۱۹۱، ﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾

توان با نگاه کردن به یک ایه نتیجه ای کلی گرفت و نظر خود را بر قرآن تحمیل کرد؛ که اگر چنین کنیم باید شیطان را موحد و خداترس معرفی کنیم که شیطان گفت: «من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم<sup>۱</sup>» علاوه بر این مسلمانان هیچ گاه کعبه و سنگ و شن را نمی پرستند، بلکه خدای کعبه را می پرستند و به خاطر دستور او و وحدت جهان اسلام به طرف کعبه نماز می خوانند والا خدای تعالی می فرماید: «و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست!<sup>۲</sup>» از همه اینها گذشته ویروسی مثل کرونا توانسته ضعف علمی و ادعاهای واهی علوم تجربی را برملا کند و نشان دهد علم تجربی هنوز اندر خم یک کوچه است؛ چراکه در درمان و ویروس کرونا در مانده شده و فقط توصیه به دست شستن می کند.

برخی از ویروس کرونا سوء استفاده کرده و عده ای که سطح علمی پائین دارند می گویند کرونا خدا را قرنطینه کرد و دیگران چهره های علمی گرفته می گویند بیت الله که محل امن بود و برای زائران مایه امید؛ این روزها تعطیل شده و حریف کرونا نیست؛

پاسخ:

پاسخ گروه اول این است که قرنطینه خانه ربطی به مالک مکان و صاحب خانه ندارد. اگر خداوند بخواهد در بیت الله همه امور را غیر عادی جلویبرد سوال خواهد شد که چرا در

۱ - حشر: ۱۶، ﴿انی اخاف الله رب العالمین﴾

۲ - بقره: ۱۱۵، ﴿فاینما تولوا فثم وجه الله﴾

سایر خانه ها چنین نمی کند. اگر زهر مار در خانه خدا تاثیر نکند؛ خواهند گفت چرا در بقیه خانه تاثیر دارد و کشنده است و این رشته ادامه خواهد داشت...

در مورد گروه دوم که تعطیلی حرم الهی را بهانه کرده و عدم ورود زوار به حرم امن الهی را دلیل ناامن بودن بیت الله می دانند نیز باید گفت: امنیت بیت الله به دست خود ماست، خداوند حکم می کند که ما امنیت آن را به هم نزنیم نه اینکه تکوینا مکه و سرزمین وحی امن ساخته شده باشد. انتساب مکان به خداوند به خاطر شرافت و منزلت مکان است و مکان و زمان دخلی در روابط عالم ندارد بنابراین انتساب مکان ها و زمانها و احکام خاص به خدا نباید رهنز باشد و خیال کنیم حال که مثلا ماه رمضان شهرالله است پس نباید در این ماه گناهی صورت پذیرد.

### قضاء و قدر، سرنوشت، جبر و اختیار

مگر همه چیز مقدر نشده است (قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)؛ پس چرا این قدر نگران بیمار شدن یا نشدن هستیم؟! اگر قرار است بیماری بگیرم، پس می گیرم و اگر هم نه پس نمی گیرم! دقیقاً من چقدر مؤثرم در این که سرنوشتم چطوری نوشته بشود؟ چون آدم هایی را دیدم که هر قدر تلاش کردند بیماری کرونا نگیرند، اما باز هم گرفتند و مردند!

پاسخ:

مقدمه: قضا و قدر از مسلمات قرآنی است که گاهی آن را به شیوه ای تفسیر می کنند که گویی آدمی اختیاری در تعیین سرنوشت خودش ندارد و تمامی حوادث خارج از اختیار او است و او هیچ نقشی در پیشگیری یا درمان و رهایی از بیماری ندارد. در ادامه، با ارائه نکاتی مشخص می شود که این تفسیر از قضا و قدر نادرست است:

نکته اول: بله همه چیز از طرف خدا مقدر شده است و همه تقدیرات توسط خداوند خلق شده است اما این انسان است که در هر عملی یکی از آن مقدرات را به مرحله قضا و حتمیت درمی آورد و آن فعل در خارج ایجاد می شود.

توضیح بیشتر اینکه در مورد قضای الهی که در عرف از آن به سرنوشت و قسمت تعبیر می شود اصولاً دو تفسیر وجود دارد:

بنابر تفسیر نخست، سرنوشت هر کس از روز نخست، بدون اطلاع و حضور او، از طرف خداوند تعیین شده؛ بنابراین هر کس با سرنوشت معینی از مادر متولد می شود که قابل دگرگونی نیست. هر انسانی نصیب و قسمتی دارد که ناچار باید به آن برسد. چه بخواهد و چه نخواهد، و کوشش ها برای تغییر سرنوشت بیهوده است. بررسی منابع اسلامی نشان می دهد این تفسیر مورد تأیید اسلام نیست. قبول و پذیرش آن، تمام مفاهیم مسلم اسلامی از قبیل: تکلیف، جهاد، سعی و کوشش و استقامت و غیره را به هم می ریزد. استاد شهید مطهری می فرمایند: «اگر مقصود از سرنوشت و قضا و قدر الهی، انکار اسباب و مسببات و

از آن جمله قوه و نیرو و اراده و اختیار بشر است، چنین قضا و قدر و سرنوشتی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد<sup>۱</sup>)).

تفسیر دوم، نقش انسان را در تعیین سرنوشت زندگی او می‌پذیرد. در این تفسیر، نقش انسان نه تنها مغایر با سرنوشت نیست، بلکه جزئی از همان سرنوشت است. در سرنوشت انسان چنین نقش بسته است که او سرنوشت خویش را خودش را تعیین نماید. در واقع، اختیار داشتن انسان جزئی از قضای حتمی خداست و این همان معنای درست سرنوشت است. از این منظر، هم ابتلا به ویروس کرونا به دلیل عدم رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و هم عدم ابتلای به این ویروس بجهت خود مراقبتی درست، در همه انسان‌ها ممکن و مقدر است تا این که انسان به واسطه سبک زندگی و انتخاب هایش، یکی را محقق سازد و حتمیت ببخشد.

نکته دوم: البته این امکان نیز وجود دارد که برخی از افراد بسیار محدود و معدود نیز چون اجلسان حتمی شده به بیماری مبتلا شوند حتی اگر تمام تلاش خود را برای عدم ابتلا انجام داده باشد. توضیح بیشتر اینکه در روایات از دو لوح در حوزه مقدرات انسان نام برده شده است: لوح محفوظ و لوح محو و اثبات. در اصطلاح، لوح محفوظ همان قضای الهی است که همه حوادث به قلم الهی به ثبت رسیده است. کسی جز خداوند از آن آگاهی

ندارد. هر چه در این لوح نگاشته شود، تغییر نمی‌کند، به طور مثال هر یک از انسانها دارای اجل حتمی هستند که به هیچ عنوان قابل تأخیر و تقدیم نیست.

اما لوح محو و اثبات قابل تغییر و تبدل است، به طور مثال اجل معلقی مثل مرگ بر اثر بیماری کرونا وجود دارد، لکن این اجل به سبب رعایت بهداشت فردی و یا دعا، صدقه یا کار خیر قابل تأخیر افتادن است، همان طور که در روایات وارد شده و یا این که به خاطر کارهای سوء مثل عاق والدین و قطع رحم به جلو می‌افتد<sup>۱</sup>. بر این اساس تمام تقدیرات زندگی انسان‌ها در لوح محو و اثبات وجود دارد و بر اساس عواملی قابل تغییر و تبدل است اما زمانی که به مرحله قضا رسید دیگر قابل تغییر نیست.

نتیجه: اگر کسی از ابتدا اجل حتمی او مرگ بر اساس بیماری کرونا مقدر شده بود که البته طبیعتاً بسیار محدود است، باید تأیید کرد که قطعاً واقع خواهد شد و هیچ کس را گریزی از آن نیست؛ اما از آنجایی که نمیدانیم اکنون، مرگ بر اساس این ویروس، از نوع قضای الهی و اجل حتمی و قطعی ما است یا از نوع مقدراتی است که قابل تغییر است، پس تا جایی که ممکن است باید بکوشیم با حفظ آرامش و رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و توکل به خداوند، خود و خانواده خویش را از گزند این ویروس حفظ کنیم<sup>۲</sup>.

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۱،

۲- همان

چرا خداوند به گونه ای سرنوشت ما را رقم زده که از یک طرف تحریم بشویم و از طرف دیگر سیل و از طرف سوم زلزله و از طرف چهارم کرونا و ... انگار خدا ما را محاصره کرده تا از بین برویم!

پاسخ:

مقدمه: با وجود این که خداوند خیرخواه است و جز خیر نمی آفریند، در زندگی آدمی سختی و شرور و مشکلات وجود دارد. به همین جهت، سؤالاتی از این قبیل مطرح می شود که: آیا واقعاً خداوند چنین مشکلاتی را رقم زده است؟ هدف خداوند از ایجاد این مشکلات برای ما چیست؟ در ادامه با ارائه نکاتی به این پرسش ها پاسخ می دهیم:

نکته اول: داستان شخصی را برای شما تعریف می کنم که از پیامبران بزرگ خداست و شما به خوبی ایشان را می شناسید. ایشان در هفتم سال از بعثتشان با محاصره شدید اقتصادی کفار مواجه شدند و چندی بعد ابتدا بزرگ ترین حامی مالی و عاطفی خود و سپس بزرگ ترین حامی سیاسی و اجتماعی خود را از دست دادند. در اینجا به نظر شما باید گفت که این پیامبر توسط خود خدا هم مورد تحریم قرار گرفته است؟ قطعاً متوجه شده اید که منظور از این پیامبر حضرت رسول الله محمد مصطفی «صل الله علیه وآله» است که بعد از محاصره شدید اقتصادی، ایشان و همه مسلمانان در شعب ابی طالب، درست در زمانی که مشکلات و سختی ها به اعلا درجه خود رسیده بود ابتدا همسر مهربانشان حضرت خدیجه س و سپس عموی بزرگوارشان جناب ابوطالب را از دست دادند و مشکلاتشان چند

برابر شد؛ اما این پیامبر با عظمت خداهمگی را ابتلا و آزمایش الهی و وسیله ای برای آمادگی و ارتقای مسلمانان معرفی می کردند.

در زندگی بسیاری از پیامبران و اولیای خدا و امت های آن ها چنین آزمایش ها و موقعیت هایی را می بینید. ائمه طاهرین و بخصوص حضرت اباعبدالله «علیه السلام» و امت زمان ایشان مصداق واضح و تمام عیار این آزمایش های سخت الهی اند. جالب هم این است که بعد از تمام این اتفاقات ناگوار و شهادت جمع کثیری از اهل بیت پیامبر ص و مؤمنان پاک، «زمانی که یزید از حضرت زینب «علیها سلام» سؤال کرد که کار خدا را با برادر و خانواده ات چگونه دیدی؟ ایشان فرمودند جز زیبایی در صنع خدا ندیدم!».

این یک سنت الهی است که اگر افرادی ادعای ایمان به خدا و یاری دین خدا را کردند، مورد ابتلا آزمایش قرار می گیرند تا عیار هر کس مشخص و عزم مؤمنان سرسخت تر شود: «آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده ایم رهانشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟\* و محققا ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان را کاملا می شناسد.»<sup>۲</sup>

۱ - سید بن طاووس، لهوف، ترجمه فهري، ص ۱۶۰. «فَقَالَ ابْنُ زَيْدٍ كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ فَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»

۲ - عنكبوت: ۲-۳، ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُؤْتُوا أَمْثَلًا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾

نکته دوم: بسیاری از چیزهایی که ما به عنوان بلا به آن نگاه می‌کنیم نه تنها بلا نیست بلکه برکت و رحمت الهی است که من و شما با دستبرد در طبیعت و عدم رعایت نکات لازم و عقلایی در زندگی شخصی، آن را تبدیل به مشکل کرده ایم. باران قطعاً رحمت الهی است بخصوص پس از چند سال خشک سالی پیایی در کشور و صدمه دیدن منابع آبی به ویژه منابع زیرزمین، بارانهایی از این دست نه تنها نشانه غضب الهی، بلکه نشانه رحمت و لطف خداوند به ملت شریف ایران است؛ اما این ما هستیم که با سوء تدبیرها و دست اندازی‌ها به طبیعت و خانه سازی در مسیر رودخانه و ... باعث ایجاد سیل در محیط می‌شویم و الا اگر چنین دستبردهایی از سوی انسان صورت نمی‌گرفت یا چنین مشکلاتی به وجود نمی‌آمد و یا میزان آن بسیار اندک بود.

در مورد بیماری‌های مسری مانند کرونا هم اگر کمی تدبیر بیشتری به خرج می‌دادیم و هم مردم و هم مسئولان پیش بینی‌های دقیق‌تری داشتند، قطعاً مشکل یا ظهور پیدا نمی‌کرد یا گستردگی آن بسیار کمتر بود. مثلاً اگر کمی در ورود افرادی که از چین وارد می‌شدند دقت بیشتری به خرج می‌دادیم و یادر زمان شیوع بیماری بجای گوش دادن به حرف مسئولان و قرنطینه خود در خانه به سفر بخصوص به استان‌های شمالی نمی‌رفتیم، قطعاً میزان ابتلا و گسترش این ویروس به این اندازه نبود.

بنابراین، این تلقی اشتباه است که گمان کنیم خداوند چنین مقدر کرده که ما به این مشکلات دچار شویم. و خودمان هیچ نقشی در پیدایش این مشکلات نداریم چرا که اساساً اختیار آدمی بخشی از علل مؤثر در شکل‌گیری سرنوشت و وضعیت آدمی است؛ چنانکه

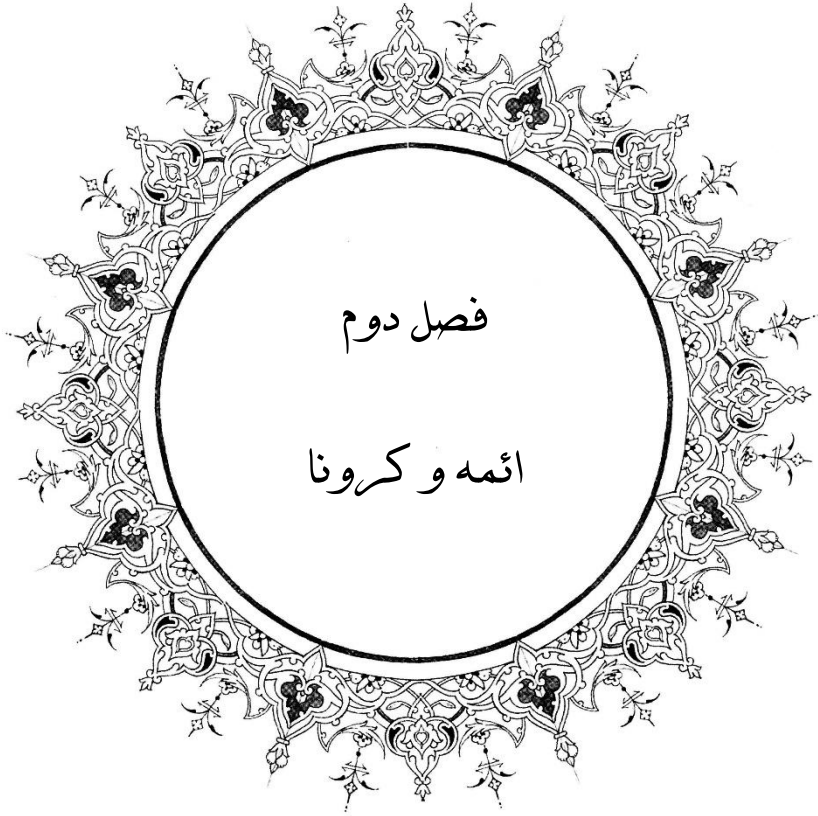
خداوند فرمود: «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند»<sup>۱</sup>.

نتیجه: بنابراین، ابتلا به بیماری و سختی، گاهی به منظور امتحان آدمی است تا عیار بندگی و صبر و ایمان آدمی مشخص شود؛ چنانکه اولیای الهی نیز امتحان می شدند و از سختی و مشکلات، خیر و تعالی روحی و پیروزی های بزرگ را به دست می آوردند. بگذریم از این که بخشی از سختی و مشکلات، ناشی از بی تدبیری و تصمیمات نادرست ما است و ارتباطی به خداوند ندارد.<sup>۲</sup>

۱- تحریم: ۱۱ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾

۲- سید بن طاووس، لهوف، ترجمه محمدی اشتهاردی، ص ۱۰۰.





فصل دوم

ائمه و کرونا

## چرا علمای ربانی و مراجع که نایب امام زمان هستند از امام زمان راه درمان این بیماری را نمی‌پرسند؟

پاسخ:

توجه به این نکته لازم است که دین مجموعه معارف و حیانی جهت هدایت انسان هاست و انتظار شفا دادن و درمان بیماری ها از دین امری ناموجه است زیرا:

اولاً: نیابت فقها از امام زمان به معنای ارتباط مستقیم با ان حضرت نیست بلکه نیابت دارند در فهم دین و اجرای درست ان را به عهده دارند. به عبارتی نایب عام هستند نه نایب خاص تا مستلزم رویت امام باشد .

ثانیاً اعتقاد به داشتن علم ماکان و مایکون<sup>۱</sup> برای پیامبر و اهل بیت به معنای بالفعل بودن این علم نیست؛ بلکه آگاهی آنان از تمام امور آسمانی و زمینی در برخی مسائل بالفعل و در برخی عرصه ها بالقوه است؛ یعنی برخی علومشان را خداوند از ابتدا و بدون درخواست به ایشان داده، اما برخی علوم را در صورتی اعطا می کند که اراده کنند و خدا مصلحت بداند<sup>۲</sup> به نظر می رسد علم بالفعل انبیاء و امامان، هدایت به راه درست زندگی توحیدی است؛ ولی در سایر مسائل، علمشان بالقوه است؛ یعنی مثلاً در خصوص احکام و تعالیم

۱ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۶۰

۲ - همان، ص ۲۵۷

اعتقادی یا شریعت در پاسخ هرگز تعلل نکرده یا ابراز بی اطلاعی نمی کردند اما درجایی که خارج از حیطه رسالت اصلی ایشان بوده علمشان بالفعل نبوده و متوقف بر اراده کردنشان است. ازاین رو، علم انبیا و اولیا نسبت به علم پزشکی و سایر اموری که خارج از حیطه اصلی رسالت است از نوع علوم بالقوه است و تنها در موارد خاصی از این علوم سخن می گفتند و یا از آن به شکل غیبی اطلاع می یافتند.

ثالثاً: از جمله مصائب طبیعی و انسانی، انبیا و اصحابشان عبارتند از: بیماری برخی از انبیا مانند حضرت یعقوب، ایوب، یونس و... که در قرآن کریم آمده است<sup>۱</sup>. بنا بر برخی اخبار رسول خدا (صلی الله علیه و اله) دست بر سنگی نهاد و عقربی ایشان را گزید<sup>۲</sup>. هرچند این ذوات قدرت شفادادن بیماران را داشتند و توصیه هایی برای مقابله با بیماری های جسمی و روحی، داده اند؛ اما خودشان به پزشک نیز مراجعه می کردند مثلاً: اثیر بن عمرو بن هانی طبیب یهودی ای به بالین امام علی (علیه السلام) آورده شد، درحالی که سه امام آنجا حضور داشتند، هم خود امام علی (علیه السلام) هم امام حسن (علیه السلام) و هم امام حسین (علیه السلام)<sup>۳</sup>.

کوتاه سخن این که علم لدنی بالفعل انبیا و امامان در حوزه رسالتی است که داشتند، اما در سایر حوزه ها، از علم لدنی بالقوه برخوردار بودند و در صورت درخواست ایشان از

۱ - برای نمونه: بقره ۹۱، ۸۷، ۶۱- آل عمران، ۱۱۲، ۲۱، مانده، ۷۰- یوسف، ۹۶، ۸۴- انبیاء، ۸۳- ص، ۴۱- صافات، ۱۴۵- شعراء، ۸۰

۲ - محمدبن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۶۶،

۳ - سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۳۲

خداو مصلحت دانستن خداوند این علوم در اختیارشان قرار می‌گرفت. به همین جهت، بسیاری از آن‌ها علی‌رغم شفاعت‌اندن بیماران، برای خودشان از این علوم استفاده نمی‌کردند و از طبیب بهره می‌بردند. بنابراین واضح می‌گردد که چرا فقیهان که نائب عام امام زمان هستند و از طریق متون دینی، به فهم و اجرای دین می‌پردازند، ادعای علم پزشکی ندارند و همیشه علم پزشکی و طبیبان را مورد تکریم و احترام قرار داده و از دستورات پزشکی تبعیت کامل می‌نمودند

### آیا از علائم ظهور، گسترش بیماری‌های صعب‌العلاج مثل کرونا است؟

پاسخ:

مقدمه: شناسایی علائم ظهور و تطبیق آن بر حوادث و رخدادهای زمان، از علائق عمومی برخی از مردم است که باید آن را ملاحظاتی همراه کرد تا به گمراهی و ضلالت منجر نشود. یکی از علائم ظهور، مرگ سفیداست که برخی از مردم آن را به بیماری کرونا ارتباط داده‌اند. در ادامه با ارائه نکاتی توضیح می‌دهیم که این تطبیق خالی از اشکال نیست:

نکته اول: تعیین زمان ظهور برای کسی ممکن نیست. امام رضا (علیه السلام) به دعبل خزائی فرمودند: «.. حدیث کرد مرا پدر بزرگوام از پدر بزرگوارش از پدرانش از علی (علیه السلام) که به پیغمبر (صلی الله علیه وآله و سلم) عرض کردند: یا رسول الله چه زمان قائم

از ذریه تو خروج می کند؟ فرمود: مَثَل او مَثَل روز قیامت است که آشکارا نکند امر قیامت را مگر خدا<sup>۱</sup>»

به همین خاطر در روایات به ما دستور داده اند کسانی که برای ظهور تعیین وقت می کنند تکذیب کنیم: امام صادق (علیه السلام) به مهزم فرمودند: «تعیین کننده وقت دروغ می گوید و آنانی که عجله می کنند هلاک می شوند و فقط آن کسانی که تسلیم هستند نجات می یابند.»<sup>۲</sup>

نکته دوم: در کتاب هایی که از نشانه های ظهور بحث می شود، برای علائم ظهور دسته بندی های مختلفی ذکر شده است: متصل (نزدیک) و منفصل (دور)، حتمی و غیر حتمی و غیره<sup>۳</sup>. تنها تقسیمی که در روایات به آن تصریح شده، حتمی بودن و غیر حتمی بودن نشانه ها است<sup>۴</sup>؛ مثلاً امام صادق (علیه السلام) «خروج یمانی، خروج سفیانی، خروج منادی که از آسمان ندا میکند، فرورفتن مردم در زمین بیداء (یک فرسخی شهر مدینه) قتل نفس زکیه<sup>۵</sup>» را از محتومات برشمرده است.

۱ - شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲ - کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۲، ص: ۲۴۲ «یا مهزم کذب الوقاتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون»

۳ - مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، ص ۵۶.

۴ - همان، ص ۵۷.

۵ - محمدبن علی بن بابویه، ترجمه محمدباقر کمره ای، خصال، ج ۱، ص: ۲۷۱، «عن أبي عبد الله قال: خمس قبل قيام القائم خروج اليماني والسفياني والمنادي ينادي من السماء وحسف البداء وقتل النفس الزكية.»

نکته سوم: درباره تعداد نشانه ها قول ثابتی وجود ندارد. آنچه شیخ مفید با توجه به اصول روایی پیش از خود فهرست کرده و ما را از شمارش کتاب های الغیبه و کمال الدین بی نیاز می کند، کمتر از ۹۹ روایت است<sup>۱</sup>.

از جمله اتفاقاتی که در روایات آمده است شیوع بیماری است. امیر المومنین (علیه السلام) فرمودند: «پیش از ظهور، دو گونه مرگ اتفاق می افتد: مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخ هایی پیدا می شوند که در فصل و در غیر فصلش، مانند خون قرمز هستند؛ اما مرگ سرخ، شمشیر و مرگ سفید، طاعون است<sup>۲</sup>».

نکته چهارم: عموم نشانه های ظهور، قابلیت آن را دارند که بر مصادیق مختلف تطبیق شوند<sup>۳</sup>. وجود نمونه های تاریخی فهم این مشکل را آسان تر می کند؛ برای نمونه، رضی الدین علی یوسف مطهر حلی (متوفای ۷۰۳ق) - برادر علامه حلی در کتاب العدد القویه، علائم ظهور را بر بسیاری از حوادثی که در زمان خودش رخ داده بوده، تطبیق کرده است. در حالی که ظهور رخ نداد و روشن شد آن ها علائم ظهور نبودند و فقط یک شباهت ظاهری با علائم ظهور داشتند.

۱ - محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰

۲ - محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، غیبه (للنعمانی)، النص، ص: ۲۷۸، «بَيْنَ يَدَي الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَمَوْتٌ أبيضٌ وَ جَرَادٌ فِي جَبْهَةِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ جَبْهَةِ أَحْمَرٌ كَالِدَّمَ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَبِالسِّيفِ [فَالسِّيفُ] وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونُ»

۳ - نصرت اله آیتی، از تبار دجال، ص ۲۰.

نتیجه: با توجه به آنچه ذکر شد، نمی توان به صورت یقینی ادعا کرد که شیوع این بیماری از نشانه های قطعی ظهور امام زمان است بلکه شیوع بیماری ها جزو علائم غیر حتمی است. ممکن است این بیماری مصداقی برای روایات مطرح شده باشد و محتمل است نباشد. آنچه اهمیت دارد، آمادگی همیشگی برای ظهور امام زمان است که ان شاءالله چنین باشیم.

### امام زمان در بلاها و گرفتاریها چگونه کمک میکند و تاجه محدوده ای؟

پاسخ:

۱. دایره تصرف امام ذیل دستور الهی است لذا همانطور که خدا این بلا را می بیند و گاهی بدلایلی، نجات نمی دهد، امام نیز مصلحت می بیند که این بلا را ببیند تا به فوایدی مثل یادخدا، آزمایش، تلنگر، شکستن غرور و... برسند.
۲. امام عصر خلیفه همان خدائی است که به خاطر مریی بودن، گاهی تمرینات و شرائط سخت را مصلحت دانسته تا زیر مجموعه او رشد کنند.
۳. با توجه به این روایت که می فرماید: «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم<sup>۱</sup>» شاید امام مانع بلای بیشتری شده باشد. مثلا در سیل ۹۸ در خوزستان که آب در سطح شهر راکد شده بود و فاضلاب به داخل خیابان آمده بود از نظر بهداشت جهانی باید بیماریهای مختلفی فراگیر

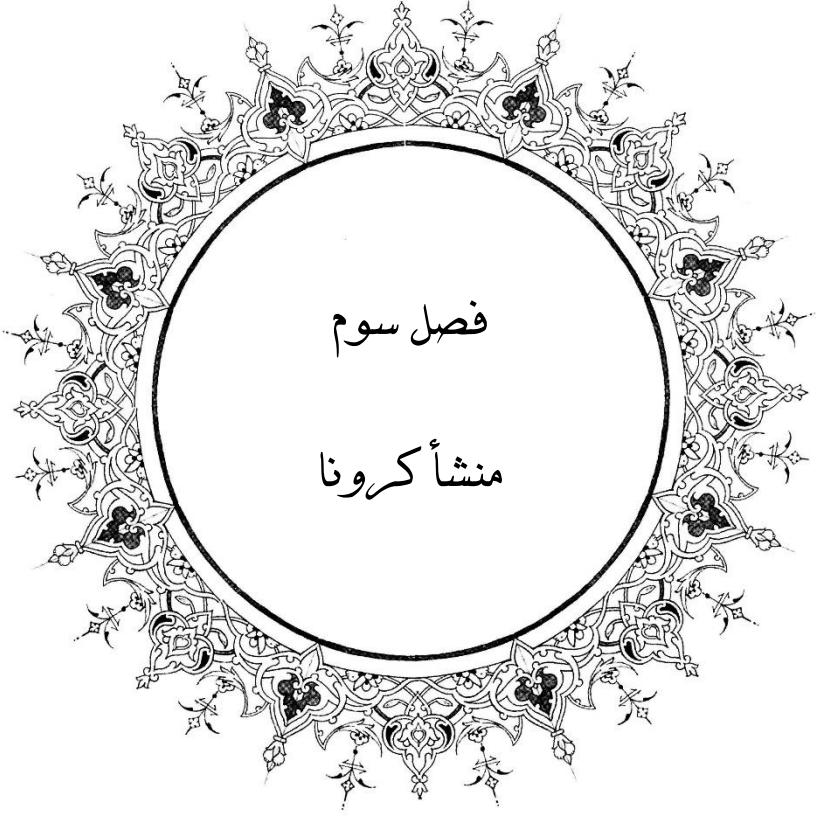
۱ - احمد بن علی طبرسی - بهراد جعفری، احتجاج علی اهل اللجاج (للتبرسی)، ج ۲، ص: ۴۹۷، «إِنَّا نَعْبُرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَلَا نَأْسِينُ لِدُكْرِكُمْ»

می‌شد اما به عنایت خداوند و امام زمان (ع) به سلامت تمام شد. هیچ بیماری فراگیری گزارش نشد. و در بحث کرونا اکثر کشورها را فلج کرد با اینکه تحریم نبودند اما ایران علی‌رغم تحریم‌ها و... به یاری خدا وضعیتش بهتر از خیلی کشورهای اروپائی است.

۴. وجود امام لطف است ولی برای هر کاری باید علاوه بر فاعلیت فاعل، قابل هم قابلیت داشته باشد. اصل وجود امام لطف است عدم استفاده از بقیه برکات امام به خاطر زندان غیبت است که یاران حضرت با زمینه سازی ظهور ایشان را آزاد نمیکنند. لذا امام مثل خورشید پشت ابر است که استفاده از آن نیازمند شرائط است و قابل باید شرائط را فراهم کند. با توجه به بیان فوق باید دانست: الف: چون خداوند، عالم هستی را برپایه اسباب و مسببات قرار داده است، جلوگیری از هرج و مرج مستلزم ایجاد زمینه‌ها و شرایط است. برطرف کردن امراض و بلاها از طرق غیر عادی با اختیار انسان سازگاری ندارد علاوه بر اینکه خداوند نجات جان انسانها و رسیدگی به بیماران را واجب قرار داده و ثواب و ارزش فراوان قرار داده است و از انسانها همیاری خواسته است. بنابراین، جامعه انسانی باید حرکت اختیاری انسانها به طرف زیباییها و نیکیها پیش برود. ب. با توجه به اینکه دنیا محل ابتلا و آزمایش است، بیماری نیز یکی از موارد امتحانی برخی از بندگان است. خداوند میفرماید: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی.... آزمایش میکنیم» پس گاهی بلا و مریضی برای مدتی، وارد زندگی

انسانی میشود تا آزمایش شود. در این صورت، حضرت مهدی(ع) نیز اقدام خاصی در این زمینه نمی‌کند؛ زیرا بر خلاف مصلحت الهی است. البته عنایتهای دیگری به صورت غیر مستقیم شامل انسانها میشود مثلاً بلایی بر طرف می‌گردد





فصل سوم

منشأ کرونا

## آزمایش

خداوند ما را امتحان می کند تا کامل شویم. اما این امتحانش که به مرگ منجر می شود و اصلاً کمالی در آن نیست؟

پاسخ:

مقدمه: انسان در طول زندگی، به مشکلات و بیماری های متنوعی مبتلا می شود که بنا بر متون دینی، برخی از آن ها به منظور امتحان و تعالی انسان ها است. از این رو، اگر مشکل و بیماری به مرگ بینجامد، اساساً آدمی نابود می شود و به همین جهت، شاید این اشکال به ذهن بیاید که این امتحان حکیمانه نبوده است و برخلاف هدفی بوده که داشته است.

با ارائه نکاتی، به این اشکال پاسخ می دهیم:

نکته اول: با توجه به آیات و روایات متعدد، بسیار مشکل است برای رنج و زحمت هایی که برای برخی از اهل ایمان به وجود می آید، علت و سبب خاصی ذکر نمود، زیرا وقتی به این متون مراجعه می شود برای این گونه امور، علل و عوامل مختلفی ذکر شده است که یکی از آن ها امتحان است؛ اما علل و دلایل دیگری هم برایش ذکر شده، از جمله تطهیر گناهان و ارتقای درجات و غیره. به این روایات توجه بفرمایید: روایت شده که رنج و مشکلات برای مؤمنان، «کفاره گناهان» است. در همین راستا، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «چون خدای عزوجل بخواهد بنده گناهکارش را گرامی بدارد و گناهانش را پاک نماید، او را بیمار

می‌سازد؛ و اگر چنین نکنند، او را محتاج می‌سازد؛ و اگر چنین نکنند، مرگ را بر او سخت می‌کند تا از این طریق، گناهش پاک شوند.<sup>۱</sup> رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از خداوند نقل می‌فرماید: بنده‌ای نباشد که من بخواهم او را به بهشت ببرم جز آنکه او را به بلائی در تنش دچار کنم، پس اگر آن کفاره گناهانش شد که پاک شود و گر نه هنگام مرگش بر او سخت گیرم تا نزد من آید و گناهی بر او نباشد سپس او را به بهشت برم.<sup>۲</sup> امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «هیچ پیچ خوردن رگی نیست و نه برخورد به سنگی و نه لغزش گامی و نه خراش دادن چوبی، جز به خاطر گناهی و هر آینه آنچه را که خداوند درگذرد بیشتر است، پس هر که را خداوند در دنیا به کیفر گناهش شتاب کرد پس آن خدای عز و جل والاتر و کریم‌تر و بزرگوarter از آن است که دوباره در آخرت او را کیفر کند.»<sup>۳</sup> در روایتی دیگر آمده: «در بهشت مقامی است که هیچ بنده‌ای به آن نرسد، جز با بلائی که در دنیا به بدنش رسد.»<sup>۴</sup> آن گونه که ملاحظه می‌فرمایید، در همه این روایات فلسفه‌ها و اسرار متعدد و مختلفی

۱ - محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، الوافی، جلد ۵ / صفحه ۱۰۳۳، «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يَكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ ابْتَلَاهُ بِالسُّعْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَهُ ابْتَلَاهُ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيَكْفِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ»

۲ - علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار / جلد ۱ / ص ۲۹۱، «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَ إِلَّا صَيِّتَتْ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَ إِلَّا شَدَّدْتُ عَلَيْهِ الْمَوْتَ - حَتَّى يَأْتِيَنِي وَ لَا ذَنْبَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ»

۳ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی / جلد ۲ / ص ۴۴۵، «لَيْسَ مِنَ التَّوَاءِ عِزْقٌ وَ لَا نَكْبَةٌ حَجَرٌ وَ لَا عَثْرَةٌ قَدِيمٌ وَ لَا خَدَشٌ عَوْدٌ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ لَمَّا يَعْمُو اللَّهُ أَكْثَرَ فَمَنْ عَجَلَ اللَّهُ عُقُوبَةَ ذَنْبِهِ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَجَلَ وَ أَوْكْرَمَ وَ أَعْظَمَ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي عُقُوبَتِهِ فِي الْآخِرَةِ»

۴ - همان، ص ۲۵۵، «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ»

برای گرفتاری های مؤمن بیان شده است و این طور نیست که لزوماً هر مشکلی به سبب امتحان باشد بلکه کفاره گناهان است.

نکته دوم: اما این فرض که ابتلا به ویروس کرونا که نهایتاً به مرگ برخی از بیماران می انجامد، برای گروهی از مردم مایه امتحان باشد، ایرادی ندارد. مگر غیر از این است که خداوند مرگ و زندگی را زمینه امتحان قرار داده است؟! این که شخصی به بیماری خاصی مبتلا شود که می داند احتمالاً می میرد، خودش یک امتحان بزرگ است: آیا او صبر پیشه می کند و یا به واسطه سختی ورنج، کفر می گوید و ناسپاسی می کند؟

نکته سوم: بله اگر کسی پس از بیماری فوراً بمیرد و فرصت نداشته باشد واکنشی نشان دهد، این بیماری برایش امتحان نیست؛ اما در همین فرض نیز این بیماری برای دیگرانی که هنوز مبتلا نشده اند، نوعی امتحان است چرا که ترس از بیماری خطرناک و مرگ آور، خودش نوعی امتحان است؛ چنانکه خداوند در سوره بقره، امتحان از طریق ابتلا به ترس را نیز یکی از امتحانات خویش معرفی کرده است. برخی از مردم به واسطه ترس، کارهای ناپسند انجام می دهند و مثلاً احتکار می کنند و یا به جای قرنطینه شدن در خانه، به سفر رفته و مردم شهرهای دیگر را به مخاطره می اندازند؛ اما گروهی صبوری پیشه کرده و از انجام کارهای پرخطر و آسیب زا دوری می جویند. این ها همگی امتحان است نه برای فرد بیمار بلکه برای کسانی که از این بیماری خطرناک ترسیده اند.

نتیجه: انسان همواره باید مرگ را نزدیک خود ببیند و طوری آماده باشد که اگر به او گفتند فردا از دنیاخواهی رفت، پریشان نشود و نیز از اتفاقات ناگهانی و غیرناگهانی که برای دیگران

می افتد، عبرت گرفته و خود را در مسیر سعادت الهی و رضای خداوند قرار دهد و رشد نماید.

## گناه

با توجه به آیه شریفه «مَا أَصَابَكُم مِّنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُم مِّنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكُمْ» (نساء آیه ۱) آیا شروع بیماری کرونا از قم می تواند دلیل بر کثرت سیئات مردم و روحانیون این شهر باشد؟

پاسخ:

مقدمه: خداوند در تدبیر جهان، سنت های مختلفی را به کار می بندد؛ که یکی از آن ها سنت تنبیه گناهکاران است. به همین جهت، باملاحظه بلایای طبیعی و بیماری، اولین چیزی که شاید به ذهن برسد این است که این بیماری، عذاب الهی به خاطر گناهی است که سابقاً انجام داده ایم؛ اما در ادامه، روشن می شود خداوند سنت های دیگری هم دارد و نمی شود به صورت قاطعانه گفت که این بیماری، به خاطر گناهکاری مردم شهر مقدس قم است:

نکته اول: در آیه مذکور در پرسش به این اصل تصریح شده است که خداوند خیرخواه است و جز خیر از او صادر نمی شود؛ و اگر فسادی در دنیا دیده می شود، نه ناشی از خدا،

بلکه ناشی از فساد و بدرفتاری و سبک زندگی نادرست ما است. این مطلب در آیات دیگر نیز به ثبت رسیده است: «فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردند.»<sup>۱</sup>

نکته دوم: فساد در زندگی و اجتماع، گاهی ناشی از شخص من است و گاهی ناشی از بی‌مبالاتی دیگران که نهایتاً به جهان گسترش مشکل و گرفتار شدن من هم می‌انجامد. ابتلا به ویروس کرونا که به مرگ بخشی از جامعه جهانی و ایران، منجر شده، نمونه‌ای از این ماجرا است. این ویروس، خواه ناشی از عدم رعایت بهداشت غذایی در شهری از چین بوده باشد و خواه ناشی از ترور بیولوژیکی آمریکا علیه کشورهای رقیب از جمله چین و ایران، ارتباطی به شهر مقدس قم نداشته اما به واسطه عدم اجرای تدابیر لازم از سوی برخی از مسئولان در جلوگیری از ورود این ویروس به ایران، دامن گیر مردم قم نیز شد.

نکته سوم: بنابراین، نمی‌توان گفت این بیماری ناشی از گناه مردم قم یا سایر شهرهای ایران است؛ اما با این حال، این بیماری، از جهات مختلفی می‌تواند پیامدهای مثبت معنوی برای مردم عزیز ایران داشته باشد. یکی از پیامدهای مثبت، بخشش گناهان است. دقت شود: نمی‌گوییم این بیماری، ناشی از گناهان و عذاب برای گناهکاران است؛ بلکه می‌گوییم حالا که مؤمن به دلیل بی‌مبالاتی دیگران بیمار شده، این بیماری برایش مایه رحمت و جبران گناهان می‌شود؛ چنانکه امام علی (علیه السلام) فرمود: «اگر بنده‌ای از شیعیان،

۱ - روم: ۴۱، ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

گناهی که ما او را از آن نهی کرده ایم مرتکب شود، قبل از اینکه از دنیا برود به یک گرفتاری مبتلا می شود که گناهانش به وسیله آن گرفتاری پاک گردد. این گرفتاری ها یا در مال و یا در فرزند و یا در خودش ظاهر می گردد؛ تا هنگامی که خداوند را ملاقات کند، برایش گناهی نباشد و اگر گناهی از وی باقی مانده باشد هنگام مرگ، بر وی سخت گرفته می شود تا گناهانش آمرزیده گردد.<sup>۱</sup>»

پیامد معنوی دیگر برای بیماری، ارتقای درجه بیمار است؛ چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ممکن است برای بنده ای در نزد خدا درجه و رتبه ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی رسد، پس خداوند او را به بال و مصیبتی در بدن و یا مال و یا مصیبت فرزند مبتلا می سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خداوند او را به آن درجه برساند.<sup>۲</sup>»

پیامد سوم بیماری، این است که زمینه امتحان مردم است تا از این طریق، عیار صبر و بندگی و ایمان آن ها سنجیده شود: آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها میشوند و آزمایش نخواهند شد؟!<sup>۳</sup>» «ای مؤمنان... قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش میکنند؛ و بشارت ده به

۱ - محمدباقر مجلسی، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ هـ ش، ج ۶، ص ۱۵۷، «مَا مِنَ الشَّيْءِ عِنْدَ بَعَارُفٍ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يَبْتَلِيَ بِبَلِيَّةٍ تُمَحِّصُ بِهَا ذُنُوبَهُ إِمَّا فِي مَالٍ أَوْ فِي وَلَدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا لَهُ ذَنْبٌ وَإِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيَشُدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ»  
 ۲ - همان، ج ۶۸، ص ۹۴، «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةُ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ فَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ فِي جَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ بِمَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِي وُلْدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبَرَ بَلَغَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا»

۳ - عنكبوت: ۲، «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ»

صابران<sup>۱</sup>» در امتحان است که مشخص می شود کدام یک از ما در این شرایط سخت، دستگیر همدیگر می شویم و کدام یک مشغول احتکار و گران فروشی؛ کدام یک در صورت بیماری، در خانه خود قرنطینگی را اعمال می کنیم و کدام یک بی توجه به دیگران، در اماکن عمومی حاضر و ناقل بیماری می شویم. همچنین این بیماری می تواند نوعی مانور مدیریتی برای کشور باشد و از این جهت، نقاط ضعف و قوت در عرصه مدیریت بحران را نمایان سازد.

نتیجه: کوتاه سخن این که ویروس کرونا یا به واسطه عدم بهداشت مناسب در بازار چین بوده باشد و یا ترور بیولوژیکی آمریکا علیه کشورهای رقیب؛ در هر صورت، این ویروس اکنون دامن گیر سایر مردم نیز شده تا جایی که ممکن است کسی مقصر نباشد و حتی بهداشت فردی و اجتماعی را مراعات کرده باشد، اما باز هم به بیماری مبتلا شود.

حال که چنین شده، قطعاً این بیماری برای مردم مؤمن خالی از فایده نیست و می تواند زمینه مناسبی برای پالایش روح و تعالی معنوی و ارتقای درجه و کسب تجربه برای مدیریت بهتر باشد.

---

۱ - بقره: ۱۵۳-۱۵۵، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ نَبِّئِ الصَّابِرِينَ﴾

روحانیون و مذهبی‌ها همواره ادعا می‌کردند که علت مشکلات، بلاها و بیماریها، گناهان مردم است؛ اما در بحران کرونا هم خودشان شدیداً به توصیه‌های پزشکی عمل می‌کنند و هم مردم را به رعایت توصیه‌های پزشکی تشویق می‌کنند و حرفهای پیشین خود را فراموش کرده‌اند.

پاسخ:

اولاً؛ این شبهه مبتنی بر انگاره‌های فلسفی غرب است که نوعی تعارض بین علم و دین قائل است. در حالی که مبانی و آموزه‌های دین اسلام تعارض مستمر و واقعی میان علم و دین را نفی می‌کند. در نگاه اسلام دین و علم مکمل یکدیگر هستند و هیچ کدام نفی کننده دیگری نیست.

ثانیاً؛ نظام این جهان بر پایه نظام علیّت بنا شده است. علت پدیده‌ها ممکن است مادی باشد یا معنوی!

توجه به بهداشت و عدم توجه به آن، از جمله علل تاثیر گذار در عالم جسم و روان انسان است. به حکم عقل، دین و تجربه، بین سلامتی و رعایت مسائل بهداشتی، رابطه‌ای عمیق وجود دارد. لذا دین اسلام نه تنها به دانش پزشکی و تغذیه بی اعتنا نبوده بلکه خود در بالندگی آن نقش مهمی داشته است. در قرون نخستین اسلام بسیاری از پزشکان پرآوازه، خود از عالمان و فقیهان دینی بوده‌اند.

سوالی که اینجا باقی می‌ماند این است که آیا دانش پزشکی توانسته و می‌تواند راهها و داروهای درمانی همه بیماری‌ها را کشف و معرفی کند؟ آیا علت همه بیماریهای جسمی ویروسها و باکتریهای مضر است و امور معنوی و روحی در بیماری و سلامت جسم نقشی ندارد؟ یقیناً چنین ادعایی از نظر عقل و علم مردود است!

بله انسان‌ها چون به علل قریب انس دارند همیشه علت را مادی می‌دانند ولی نباید در علل مادی توقف نمود که موجب ماندگاری مشکلات است بلکه باید توجه داشت که علل معنوی همان علل بعید است که همواره از طریق تأثیر بر علل قریب، عمل کرده و حوادثی را ایجاد میکنند.

بنابر این توصیه عالمان دین به رعایت امور بهداشتی، علاوه بر اینکه توصیه خود دین است، به خاطر جامع‌نگری نسبت به حوادث جهان است. چراکه برای پیشگیری از مشکلات، حل نابسامانیها و بالابردن کیفیت زندگی، باید علتهای مادی و معنوی را با هم دید.

ثالثاً؛ از جمله مسائل مهم حوزه اندیشه در جهان امروز مساله معنای زندگی و هدفمندی آن است. به همین دلیل است که امروزه علم روانشناسی و جامعه‌شناسی در کنار عقل و علم، بر اهمیت اخلاق و معنویت و نقش آن در بهزیستی انسانی تأکید می‌رود.

این در حالی است که معنایابی و هدفمندی زندگی در پرتو دین، بخشی از آثار غیرمادی دین و معنویت است و تبیین آثار تکوینی و حقیقی آن در گستره وجود انسان تنها در اختیار پیامبران الهی است.

تحقیقات پزشکی و روانشناسی تجربی بر این امر تأکید دارند که بیماری فکر و عاطفه میتواند جسم انسان را تضعیف و آماده گرفتار شدن به انواع بیماریهای دشوار و کشنده کند. به نحوی که بسیاری از بیماریها را بیمارهای روانتی مینامند؛ از جمله مهم ترین عامل بیماری در جهان امروز استرس است که دین و معنویت و اخلاق با ارائه سبک زندگی مبتنی بر اهداف متعالی، ارزشهای اصیل و دست یافتنی، معنابخشی، امیدآفرینی و پیشگیری از بسیاری از رفتارهای مخرب و آسیب زا به سلامت جسمی و روانی بشر خدمتی بی بدیل ارائه میکند.

دین و معنویت، هرگز در قامت رقیب و مخالف با دانشهای ریشه دار انسانی ظاهر نشده است. دین اصیل و حقیقی مکمل و مؤید عقل و دانش صحیح است. بنابر این توصیه به رعایت مسائل بهداشتی و پزشکی اساساً هیچ منافاتی با رعایت مسائل معنوی، توبه و توسل ندارد و این هر دو در کنار هم میتوانند مشکلات را حل کند.

همان دینی که گناهان را علت برخی از بیماریها و مشکلات انسان ها معرفی میکند، بی توجهی به بهداشت و مسائل پزشکی را هم نامطلوب و حتی حرام دانسته و بر نقش آن در بروز بیماری و فقر تأکید می کند.

اگر این بیماریها، ویروسها و مرگ و میرها به علت گناهان مردم است، چرا از قم که مرکز دین و تشیع است و در آن کمتر گناه می شود شروع شده است؟!

پاسخ:

اولاً؛ نظام کَلّی حاکم بر جهان، نظام علّی و معلولی و سبب و مسببی است؛ یعنی هر معلولی، علّت خاص و هر علّتی، معلول مخصوص داشته باشد و بر این اساس بسیاری از فعل و انفعالات و حوادث موجود در این عالم در چارچوب نظام طبیعی قرار می گیرد؛ مسائل آب و هوا، میزان بارش باران و بسیاری از حوادث جغرافیایی و طبیعی از همین قاعده پیروی کرده و در چارچوب نظام منسجم علّی - معلولی قرار دارد.

پس کاملاً طبیعی است که اگر چند نفر مبتلا به کرونا از چین وارد قم و مهمان شخص قمی شوند، این ویروس به دیگران منتقل شده و برخی از مردم قم به این ویروس مبتلا شوند و این واقعیت میتواند حتی در فرضی که هیچ گناهی در قم و یا هر شهر دیگری صادر نشده، باز محقق شود.

ثانیاً؛ اگرچه میان برخی از گناهان با برخی از بلاها رابطه علی - معلولی وجود دارد، اما اینطور نیست که تمام بلاها بر اثر گناهان باشد؛ بلکه عوامل مختلفی میتواند در به وجود آمدن بلا دخالت داشته باشد. در این رابطه به چند نکته اشاره میشود: یکم؛ برخی مصائب و

مشکلات ناشی از اعمال خودانسان است، و این امور گاهی از قبیل عدم رعایت امور بهداشتی و گاهی از قبیل گناه است؛ مثال ابتلا به بیماری به دلیل عدم رعایت نکته های بهداشتی از خطاهای عملی انسان است که دامنگیر او و دیگران میشود؛ هرچند در فرض عدم تقصیر در ابتلا به بیماری، خداوند به رحمت خویش بر انسان گرفتار مینگرد و برای دردی که به واسطه آن بیماری تحمل میکند، پاداشهایی در نظر میگیرد و بر اساس مصلحت شخص مبتلا، آن پاداش را در دنیا یا آخرت به او عطا میفرماید؛ اما به هرحال منشأ بیماری، خود انسان بوده است و در فرض مقصربودن، حتی مستحق پاداش و عوضی از جانب خداوند هم نخواهد بود! گاهی هم ابتلا به امراض، مصایب و بلاها، ناشی از گناهی است که انسان مرتکب میشود.

در این فرض هم خود انسان مسؤوَل پیامدهای آن است. خداوند در قرآن میفرماید: «آنچه از مصائب و ناملایمات به شما رسد، به خاطر اعمالی است که خود انجام داده اید.»<sup>۱</sup> این آیه به خوبی نشان می دهد مصائب و بیماریهایی که دامنگیر انسان میشود، ناشی از عمل خود انسان است و به این ترتیب یکی از فلسفه های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می شود. البته پیامدهای مادی گناه همواره در زندگی انسان ها پدید نمی آید و ممکن است به جهان آخرت منتقل شود؛ ولی گاهی خداوند به منظور سبک کردن بار گناه بنده، او را در دنیا عقوبت میکند.

۱ - شوری: ۳۰، ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾

این عقوبت هم در حقیقت ناشی از مهر و رحمت و اسعه الهی است که می‌خواهد بنده اش پاک و سبکبار از این دنیا منتقل شود. امیر مؤمنان علی «علیه السلام» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «این آیه و ما اصابکم من مُصِيبَةٍ ... بهترین آیه در قرآن معجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود، و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سر زده است. آنچه خداوند در دنیا از بندگانش عفو می‌کند، گرامی‌تر از آن است که در قیامت در آن تجدید نظر فرماید و آنان را عقوبت کند و آنچه را که در این دنیا عقوبت فرموده، عادلتر از آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد.»

به این ترتیب اینگونه مصائب علاوه بر اینکه بار گناه انسان را سبک می‌کند به او قدرت خودکنترلی در رفتارهای نادرست می‌دهد. البته ظاهر آیه ۳۱ سوره شوری عام است و همه مصائب را در بر می‌گیرد، ولی مطابق معمول در الفاظ عام و مطلق، استثنایی وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامنگیر انبیا و ائمه معصوم (علیهم السلام) می‌شده که برای ترفیع مقام یا آزمایش آنها بود و همچنین مصائبی که گریبان غیر معصومان را می‌گیرد و جنبه آزمون دارد.

دوم: اگر بشر زندگی راحت و خالی از هرگونه ناملایمات داشته باشد، ارزش راحتی و آسایش را درک نخواهد کرد؛ زیرا بشر با غرور، شهوت، امیال و غرایزی که دارد، اگر به حال خود رها شود و هیچ وسیله بیدار باشی نداشته باشد، اندک اندک حدود و حقوق را فراموش کرده و طبعاً به هرگونه خواسته‌های نامشروع امیال و آرزوهای پست تن خواهد داد و این

امر برای او پیامدهای نامطلوبی در پی دارد. گاهی بشر به یک بانگ بیدار باش و زنگ خطر نیازمند است تا فطرتش بیدار شده و به خداوند رو آورد.

علت برخی از مصائب و مشکلات این است که انسان، دلبسته و اسیر زرق و برق این جهان مادی نشده و آن را جاودانه نپندارد. بنابراین مصائب و مشکلات زنگ بیدارباش برای غافلان، رمز ناپایداری جهان مادی و اشاره ای به کوتاه بودن عمر این زندگی است. البته این هم رحمتی از جانب خداوند متعال در حق بندگان است؛ چرا که هم بندگان را در مسیر حق نگه می دارد و هم بابت درد و سختی ناشی از بلای وارد شده، پاداشی درخور مرحمت خواهد کرد.

سوم: آزمایش الهی؛ گاهی وجود مشکلات در زندگی به خاطر امتحان انسان است؛ چنانکه انسانهای وارسته مانند حضرت ابراهیم خلیل «علیه السلام» بارها مورد آزمایش قرار گرفته تا به رشد معنوی نائل شوند.

چهارم: مردم قم هرگز تافته جدا بافته ای از دیگر مردمان نیستند؛ هرسنتی که بر دیگر انسانها جاری است بر مردم قم نیز جاری است. بنابراین بلاهایی که بر اهل قم نازل شود، برای خوبانشان درجه و آزمون صبر و شکر و برای بدکارانشان عقوبت و کیفر الهی است!

## انسانی

### الف: قم

با استناد به روایات منتسب به ائمه مبنی بر اینکه در فراگیری فتنه ها به قم و حوالی آن بروید (بحار ج ۵۷ ص ۲۱۷) آیا سفارش امام صادق مبنی بر اینکه در بلا ورنج به قم که اسایشگاه مومنان و جایگاه بنی فاطمه است بروید بحار ج ۵۷ ص ۲۱۴) می گویند این چه پناهگاهی است که با ویروس به تعطیلی کشیده شد و دست زدن و بوسیدن ضرریش ممنوع شد؟

پاسخ:

در پاسخ به این شبهه دو پاسخ می توان ارائه داد:

اولا پاسخ حلی:

۱. از امور قطعی و مسلم این است که دنیای مادی قواعد و قوانین خاص خودش را دارد و خداوند هم ابا دارد از اینکه امور را در غیر مجرای اصلی خودشان به جریان اندازد.
۲. حرم اهل بیت و اماکن زیارتی قم و مشهد نیز در همین دنیای مادی و بر اساس مصالح دنیوی ساخته شده اند؛ و تمام قوانین مادی بر این اماکن هم ساری و جاری است.

۳. با توجه به دو مقدمه قبل؛ بر فرض صحت روایاتی که قم را پناه از فتنه ها و حافظ از بلایا معرفی کرده است؛ مراد حفظ از بلایای معنوی، فکری و عقیدتی است نه فتنه ها و بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و بیماری و... علاوه بر اینکه پناه بودن قم نه به خاطر منطقه جغرافیایی خاص است بلکه به خاطر وجود علما و مومنینی است که در این شهر ساکنند و صاحب نفس و تاثیر معنوی هستند، لذا هیچ شائبه ای در اینکه مراد بعد معنوی است وجود ندارد. علاوه بر اینکه ممکن است مراد روایت، امنیت در زمان خاص باشد؛ همانگونه که امام صادق(سلام الله علیه) برای فرار از عباسیان قم و کوفه را معرفی می کردند<sup>۱</sup>.

۴. اگر این اشکال بر قم وارد باشد باید در مورد دعای حضرت ابراهیم(سلام الله علیه) که مکه را شهر امن الهی معرفی کرد هم گفته شود دروغ است چرا که مردم مکه عمر جاودان نیافتند و بلایا هم از مکه دفع نشده است؛ علاوه بر اینکه شهر مکه در ایام حج یکی از مراکز انتشار بیماری های واگیردار است.

بنابراین وجود ویروس و سایر بلایا در قم هم مثل سایر شهرهای دنیا امری طبیعی است و اگر اتفاق نیفتد جای سوال دارد. پس باید توجه کرد که اینگونه نیست که شهر مکه، شهر قم و یا هر منطقه ای از جهان از سنتهای الهی مرگ، آزمایشها، فتنه ها، بیماریها و... کاملاً در امان بوده و خداوند به ساکنان آنها وعده داده باشد که هیچ خطری آنها را تهدید نکرده و منطقهای که در آن ساکن اند نیز به عنوان هیچ عامل تهدیدی برای دیگر مناطق به شمار نخواهد آمد.

ثانیا پاسخ نقضی:

اگر صرف درگیر شدن شهرهای مقدس شیعیان همچون قم و اماکن متبرک آن به عنوان پایگاه امن شیعیان به بلایای طبیعی، مثل شیوع بیمی، علامت عدم قداست و یا نقض قداست آن باشد، پس باید وقوع موارد مشابه این بلایا در دوره پیامبران و خلفا را موجب نقض قداست آنها و شهرهای مقدسی که آنان در آنجا حضور داشته اند دانست. در حالی که ما این موارد را سیر طبیعی عالم ماده میدانیم و البته به نوعی مایه امتحان انسان هاست.

**شیوع ویروس کرونا از قم، تاوان سوزاندن کتاب پزشکی هاریسون توسط آقای تبریزیان است. این ادعا از لحاظ عقلی و علمی چقدر می تواند درست باشد؟**

پاسخ:

در این که سوزاندن کتاب هاریسون ( بدون نظر داشتن به مفید بودن یا نبودن آن برای جامعه بشری) کار اشتباهی بوده، جای تردیدی نیست؛ اما آیا این عمل میتواند عامل شیوع بیماری در شهر قم باشد؟ پاسخ ضمن نکاتی ارائه میشود:

یکم: اگر مراد از این ادعا که: «ویروس کرونا تاوان سوزاندن کتاب پزشکی هاریسون است» اثبات ملازمه عقلی بین این دو باشد، چنین ادعایی هم از نظر عقلی و هم از نظر علمی مردود است.

اما از نظر عقلی مردود است زیرا بین علت و معلول همواره باید سنخیت باشد؛ یعنی از علت خاصی معلول مرتبط با آن صادر میشود و هر معلولی، علت خاص خویش را طلب میکند.

بنابراین نمی توان هر معلولی را به علتی غیر مرتبط با آن نسبت داد. در محل بحث ما نیز شیوع ویروس کرونا در قم معلولی است که با علتی که بیان شده (آتش زدن کتاب هاریسون) ارتباط اثبات شده ای وجود ندارد؛ چه ارتباطی منطقی بین شیوع بیماری و آتش زدن کتاب وجود دارد؟ کسی که چنین ارتباطی را ادعا میکند، باید برای تبیین آن دلیل معتبری اقامه کند؛ وگرنه به صرف ادعا میتوان هر چیزی را به چیز دیگری ربط داد! از نظر علمی نیز مردود است؛ زیرا علم نیز شیوع بیماری را معلول عواملی از قبیل عدم رعایت بهداشت فردی و غیره می داند. هیچ دانشمند تجربی، علت شیوع بیماری را را آتش زدن کتاب خاصی نمی داند.

حال کسانی که چنین ادعایی دارند به روش تجربی آن را ثابت کنند! چنین ادعاهایی بیشتر به تخیلات شاعرانه می ماند که آسمان و ریسمان را به هم گره زده و هر چیزی را به چیز دیگری ربط می دهد و جود ارتباط علیّی میان دو پدیده باید به واسطه عقل یا علم اطمینانبخش و یا دین حقیقی اثبات شود و غیر از این سه روش، هیچ روشی اعتبار معرفتشناختی ندارد و اگر مراد آن باشد که ویروس کرونا، تاوان و نتیجه گناه سوزاندن کتاب هاریسون بوده است، باید گفت: اولاً گناه بودن چنین امری اثبات شده نیست تا عقوبتی در پی داشته باشد. ثانیاً اگر فرض بگیریم آتش زدن کتاب هاریسون گناه بوده و عقوبت دنیایی داشته باشد، شاید تنها

افراد بسیار معدودی از مردم قم با چنین رویدادی موافق بوده‌اند، حال آیا عدالت الهی این را بر می‌تابد که هزاران فرد بیگناه را به سبب گناه شمار معدودی مبتلا سازد؟! یقیناً چنین امری با عدالت خداوند سازگار نیست.

دوم: ویروس کرونا متأسفانه نه تنها در قم بلکه در تمام شهرهای ایران و بلکه در تمام کشورهای جهان شیوع پیدا کرده است. بنابراین بر فرض قبول کنیم آتش زدن کتاب هاریسون عامل شیوع بیماری در قم است، در شهرهایی که قبل و بعد از ایران گرفتار این ویروس شدند، چه باید گفت؟؟ آیا در چین، آمریکا و اروپا که هزاران نفر جان باختند به علت آتش زدن کتاب هاریسون بوده است؟!

سوم: کلیپی که از فردی به نام آقای تبریزیان منتشر شده مربوط به بیش از ۳ سال قبل و در پاسخ به آتش زدن کتاب قانون بوعلی توسط برخی از یهودیان صورت گرفته است. حال اگر ارتباطی میان کار آقای تبریزیان و شیوع بیماری در قم باشد، طبیعتاً باید قم سه سال قبل به این بیماری گرفتار می‌شد، نه پس از گذشت سه سال از آن رویداد! بنابراین ارتباط دادن میان کتابسوزی آقای تبریزیان و شیوع کرونا در قم، انگاره بسیار دور از ذهنی است.<sup>۱</sup>

۱ - مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه های علمیه \_\_\_\_\_ <http://dte.bz/bR۳۹G>

## ب: جامعه المصطفی

منشأ ایجاد و گسترش ویروس کرونا در ایران از طریق طلاب چینی جامعه المصطفی  
قم بوده است؟

پاسخ:

اولاً؛ گمانه زنی درباره منشأ پیدایش و گسترش ویروس کرونا در کشور، با توجه به تأخیری که در شناسایی و تست افراد مبتلا به این ویروس وجود داشت، هیچ گونه جنبه علمی نداشته و صرفاً از شایعات و حرف‌های بی‌اساس است. هرادعایی مستلزم اثبات با روش علمی است. روش علمی برای اثبات این ادعا، روش آزمایشگاهی است درحالی است که هیچ آزمایشگاه معتبری اعلام نکرده است که این ویروس توسط طلاب چینی جامعه المصطفی منتقل و منتشر شده است. ثانياً؛ موضوعاتی مثل طلاب چینی جامعه المصطفی بیش از هرچیز یا شایعاتی است که افراد کم اطلاع مطرح می‌کنند و یا با اغراض سیاسی و ضدانقلابی مطرح می‌شود. مضاف بر این سازمان بهداشت جهانی، منشأ ورود ویروس کرونا به ایران، را تاجری عربستانی معرفی کرده که همسر چینی داشته و پس از سفر به ووهان چین، به ایران آمده و از تهران به قم سفر کرده است. اخیراً نیز گمانه زنی دیگری مبنی بر انتقال ویروس از طریق گارگران چینی مستقر در استان گیلان مطرح شده است<sup>۱</sup>.





فصل چهارم

علل معنوی و کرونا

## دعا و کرونا

کرونا ویروس و هر عامل بیماری‌زای دیگر، عواملی مادی هستند که تنها به سبب آلودگی محیطی و بیماری‌های زمینه‌ای اثر گذاشته و تنها راه مبارزه با آن رعایت اصول بهداشتی و کنترل‌های پزشکی است و دعا و توسل اموری خرافی است که موجب بی‌اعتنایی به روش‌های علمی و معتبر و به تعویق افتادن درمان می‌شود!

پاسخ:

اولاً؛ یکی از آفت‌های بزرگ در فرایند شناخت و مبارزه با مشکلات مادی و روانی بشر، تک‌سونگری و تقلیل‌گرایی است که از نظر عقل و علم مردود است. تقلیلِ علل پدیدآمدن و شیوع بیماری‌ها به مسائل بهداشت محیطی و جسمی، نوعی تقلیل‌گرایی، یعنی فروکاهش علل یک پدیده به علل مادی و محسوس است! بی‌شک عقل و علم بشر محدود است و با وجود پیشرفت‌های زیادی که در علوم طبیعی و انسانی صورت گرفته، بشر هرگز نمی‌تواند به صورت یقینی ادعا کند که می‌تواند به همه پدیده‌ها از همه ابعاد، سطوح و زوایا آگاه شده و آن‌ها را در کنترل خود در آورد. زندگی انسان‌ها بسیار پیچیده‌تر از آن است که عقل و علم به همه ابعاد آن آگاه شود. به همین سبب تقلیل علت یک بیماری یا شیوع آن در امور مادی، خطای علمی و عقلی بزرگی است.

ثانیا؛ مشکلات مادی و بیماری‌های جسمی زنجیره‌ای از علل و عوامل دارند که برخی مادی و برخی ممکن است روحی - معنوی باشد. اگر چه علل و عوامل روحی و معنوی هم معمولاً با وساطت علل مادی در جسم و محیط انسان‌ها اثر می‌گذارد، ولی از لحاظ عقلی و علمی نمی‌توان ادعا کرد که مشکلات و بیماری‌های جسمی فقط علل و عوامل جسمی دارد و به همین دلیل نمی‌توان پناه بردن به خداوند، دعا و توسل برای دفع و رفع بیماری را مورد توجه قرار نداد.

ثالثاً؛ امروزه در روان‌پزشکی، پزشکی و روان‌شناسی مدرن اثبات شده که منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و از جمله بیماری‌های صعب‌العلاج، ناپسامانی‌های روانی مثل استرس، اضطراب و افسردگی است. اعتقادات دینی، دعا، مناجات با خدا و توسل به ارواح پاکان علاوه بر آثار معنوی و تکوینی، عامل مهمی در آرامش، امید و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی کمک فراوان می‌کند. خرافی دانستن دعا و توسل و واسطه قراردادن معصومان (علیهم السلام) برای رفع حاجات از جمله بیماری‌ها، خلاف عقل و منطق است. فکر و رفتار خرافی، آن است که از سوی عقل یا علم یا دین الهی تأیید نشود و اندیشه یا رفتاری که از سوی دین تأیید شود، حتی اگر عقل و علم بشر به درستی و سودمندی آن آگاه نشود، خرافی نخواهد بود.

## صدقه و کرونا

### چرا صدقه بیماری کرونا را درمان نمی‌کند؟!

پاسخ:

نکته اول: درصد قابل توجهی از بیماران کرونایی به لطف و مرحمت الهی از کمند بیماری کرونا خلاصی یافته و بهبودی قابل توجهی یافت‌ها‌ند. با رجوع به خانواده و نزدیکان این افراد متوجه میشویم اتفاقاً خانواده این دسته از بیمارها نه تنها از مباحث بهداشتی و سلامت معنوی غافل نبوده‌اند، بلکه برای نجات جان بیماران خود به اموری همچون صدقه نیز متوسل شده‌اند، این موضوع به خوبی گواه بر بی‌اعتبار بودن ادعای شبهه افکنان می‌باشد و حقانیت احادیث وارده را به اثبات میرساند که در منابع روایی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «مریضهای خود را با صدقه معالجه کنید و با دعا و نیایش بلا را جلوگیری نمایید.»<sup>۱</sup>

نکته دوم: این نکته ناظر به تاکتیک برخورد جزیره‌ای است که شبهه افکنان در پیش گرفته‌اند، در واقع اگر منابع دینی امر به صدقه و یا همچنین سایر عوامل معنوی همچون دعا و توسل میکند این مطلب به هیچ وجه به معنای رها کردن سایر شاخصها و مؤلفه‌های

۱ - محمدبن یعقوب بن اسحاق کافي / ج ۴ / ص ۳، «...عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) دَاوُوا مُرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَادْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالِدُّعَاءِ»

تأثیرگذار در درمان نیست، برخی از شبهه افکنان به واسطه نفاق و جهل این چنین القا میکنند که گویی منابع دینی در این مواردی درمان تک نسخه‌ای را تجویز کرده است؛ این در حالی است که در کنار آموزه‌های معنوی راهکارهای بهداشتی و درمانی نیز مورد تأکید قرار داشته است. باید به این موضوع توجه داشته باشیم که در واقع منابع دینی منکر اسباب علاج از راه طبیعی و علمی نیست، کما اینکه در منابع روایی از حضرت امام صادق (علیه السلام) این چنین نقل شده است: « خداوند پرهیز دارد از اینکه کارها را از مجرای غیر طبیعی خود اجرا نماید. از این رو برای هر چیزی سببی، و برای هر سببی گشایشی، و برای هر گشایشی کلیدی قرار داده است<sup>۱</sup>». در منابع روایی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: « پیامبری از پیامبران بیمار شد. گفت: درمان نمیکنم تا همان کسی که بیمارم کرده است، خود، درمانم کند. سپس خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرستاد: شفایت نمیدهم، مگر درمان کنی، که شفا از من است<sup>۲</sup>».

نکته سوم: گاهی اوقات علی‌رغم اینکه یک شخص بیمار از داروی مناسب استفاده کرده و مسیر علاج صحیح را نیز طی نموده با این وجود شاهد مرگ تعداد بسیاری از آنها هستیم؛ چرا که در بسیاری از موارد عمر آنها در دفتر تکوین و علم الهی به اتمام رسیده است به گونه‌ای که مرگ برای آنها قطعی شده و چیز دیگری نمیتواند مانع آن شود. حتی با استفاده از

۱- محمدبن حسن صفار، بصائر الدرجات / ج ۱ / ص ۶، «أبی الله أن یُجرى الأشياء الا بالاسباب فجعل لكل شیء سبباً و جعل لكل سبب شرحاً و جعل لكل شرح مفتاحاً»

۲- حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج ۲ / ص ۱۵۴، «إِنَّ نَبِيًّا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرَضَ، فَقَالَ: لَا أَتَدَاوِي حَتَّى يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يَشْفِينِي، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا أَشْفِيكَ حَتَّى تَتَدَاوِيَ؛ فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي»

پپیچیده‌ترین مراحل پزشکی نیز نمیتوان موجب خلاصی آنها از مرگ شد، آیا در این چنین شرایطی که شفا مقدر انسان نیست باید منکر اصل درستی و صحت قانونهای درمانی و پزشکی شویم؟ به طور قطع و یقین هیچ عقل سلیمی این مطلب را تأیید نمی‌کند.

پاسخ دوم:

انسان در مرحله اول از هیچ بلاء و ابتلائی بیمه نیست قرار آفرینش انسان بر ابتلا است «همان که مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدامتان به عمل نیکوتر است، و او شکست ناپذیر آمرزنده است»<sup>۱</sup> «آیا می‌پندارد که هیچ کس نمی‌تواند بر او دست یابد.<sup>۲</sup> «بنابراین صدقه، دعا و رعایت قوانین طبیعی در کم و آسان کردن یا تغییر بلا اثر دارد نه اینکه کلاً مومن هیچ مبتلا نمی‌شود. بلا شاخصه مومن است. و با بلا رشد ابدی میگیرد (البلاء للولاء)

صدقه آثار اجتماعی فراوانی هم دارد. مثل برطرف شدن مشکل نیازمندان احساس جمعی و همونوع دوستی و عدم تنهایی در جامعه و... که این نیز خودش دفع بلا است

اراده خداوند به نظام هستی به گونه ای تعلق گرفته است که نظام علت و معلول در آن جاری است و این اراده حکیمانه و مدبرانه خداوند است امام صادق (علیه السلام) فرمودند «خداوند ابا دارد که اشیاء را جاری کند به جز به وسیله اسباب. به همین دلیل، برای

۱ - ملك: ۲. ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَنِمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾

۲ - بلد: ۴ ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾

هر سببی، شرحی قرار داده است و برای هر شرحی، علمی قرار داده است و برای هر علمی، دروازه ناطقی قرار داده است. هر کسی که آن را بشناسد که شناخته و هر کسی که بدان جاهل باشد که جاهل است. آن باب و دروازه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ما (ائمہ معصومین) هستیم<sup>(۱)</sup>»

این اسباب دو دسته هستند: ۱- اسباب مادی ۲- اسباب معنوی و غیر مادی.

علل غیبی هر گاه با علل مادی تعارض و تزاخم کنند، علل غیبی قوی تر و محکم تر از علل مادی بوده و مقدم میشود و یا علل طبیعی را تغییر می دهد. در قرآن با اینکه با جمله « بر هر چیز قدر و اندازه ای مقرر داشته است<sup>۲</sup> » به نظام عالم و اینکه هیچ چیز به گزاف صورت نمی گیرد و هر چیز در مرتبه خود قرار دارد تصریح شده یعنی نظام اسباب و مسببات به رسمیت شناخته شده است در عین حال می فرماید خداوند فرمان خود را به نتیجه می رساند یعنی آنجا که پای روابط معنوی و تاییدات غیبی به میان می آید جریان دیگری پیش می آید و علل و اسباب ظاهری بی اثر می گرد<sup>۳</sup> یا از طریق دیگر جاری میشود. اگر انسان مریض شد، باید به پزشک مراجعه کند و نباید به بهانه صدقه و دعای وظایف طبیعی (رجوع به پزشک) خود را کنار بگذارد که اگر کنار گذاشت گناه کرده است.

۱ - محمدبن حسن صفار، بصائر الدرجات / ج ۱ / ص ۶: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مِنْ عَرَفَهُ وَ جَهَلَهُ مِنْ جَهَلَهُ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ نَحْنُ»

۲ - طلاق: ۳، ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾

۳ - مرتضی مطهری، مجموعه آثار. ج ۱، ص ۴۱۱

یکی از انبیا بیمار شد و گفت: «خود را درمان نمی‌کنم تا پروردگارم مرا شفا دهد.» خداوند وحی کرد: «شفایت نمی‌بخشم تا اینکه درمان کنی خود را که شفا از من است.»<sup>۱</sup> اسباب فقط مادی نیست و اسباب غیر مادی و معنوی مثل دعا و صدقه و توسل نیز هست که اثراتش را خدا گذاشته است و همه کاره خداست و همه دنیا سرباز خدایند و مطیع خدا. گاهی صدقه و دعا اثر میکند اما بصورتی که خودمان متوجه نمیشویم مثلاً اگر قرار بود بایک بیماری جان مومن گرفته شود صدقه باعث دفع مرگ میشود و فقط بیمار میشود و اگر قرار بود تعداد زیادی از مومنین با بیماری یا سیل از بین بروند با صدقه، قربانی و دعاء خسارت و تلفات کمتر شده مثلاً در سیل ۹۸ در خوزستان که آب در سطح شهر راکد شده بود و فاضلاب به داخل خیابان آمده بود از نظر بهداشت جهانی باید بیماریهای مختلفی فراگیر می‌شد اما به عنایت خداوند و امام زمان ع به سلامت تمام شد. هیچ بیماری فراگیری گزارش نشد. و در بحث کرونا اکثر کشورها را فلج کرد با اینکه تحریم نبودند اما ایران به یاری خدا وضعیتش بهتر از ایتالیا و اسپانیا و آمریکا و انگلیس و آلمان است. و از طرفی گاهی بلا به مصلحت مومن است لذا صدقه مانع آن نمیشود و در عوض آن بلا گرفتاریهای دیگر را رفع میکند امام صادق (علیه السلام): «در بهشت مقام و منزلتی وجود دارد که هیچ بنده ای به آن نرسد، مگر به درد و بیماری ای که در بدنش حادث شود»<sup>۲</sup>

۱ - حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج ۲ / ص ۱۵۴، «إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرِضٌ، فَقَالَ: لَا أَتَدَاوِي حَتَّىٰ يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يُشْفِينِي، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا أَشْفِيكَ حَتَّىٰ تَتَدَاوَى؛ فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي»  
 ۲ - محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی / ج ۲ / ص ۲۵۵، «مَنْزِلَةٌ لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِيتَاءِ»

وظیفه انسان رعایت امور بهداشتی و نظام علت و معلول است و در کنارش دعا و توسل نیز هست و همانطور که دارو با شرایطی اثر میکند و یا بی اثر میشود، دعا نیز با شرایطی اثر میکند و یا بی اثر میشود مثل اینکه بد رانندگی کند یا خانه و جاده را در بستر رودخانه بسازد و صدقه دهد اینجا چون وظایف طبیعی را انجام نداده صدقه اثر نمی‌کند.

## توسل و کرونا

کرونا، آغازگر رنسانس در ایران. بیماری طاعون آغازگر رنسانس در قسمتهای بزرگی از اروپا بود...، حال حکومت دینی ناچار شده در ب مساجد و حررها را ببندد...! شکی نیست که علم به زودی واکسن کرونا را کشف خواهد کرد و مردم به جای دعا و توسل به خدا و امامان، سراغ پزشکان خواهند رفت! پاسخ چیست؟!

پاسخ:

مقدمه: توسل به درگاه احدیت و اولیای او به عنوان شیوه ای برای طلب مسائل مادی و معنوی از ابتدای خلقت آدمی مطرح بوده است و در میان مسلمانان نیز بنابر یک دستور قرآنی توسل رواج داشته و یکی از افعال رایج و متداول جامعه دینی بوده و اینکه به شکل رویه ای مستمر به پیامبر (صل الله علیه وآله) و اهل بیت (علیه السلام) توسل می‌جویند و به وسیله ایشان رهایی از بلاها و مشکلات و سختی‌ها را جستجو می‌کنند. به نظر می‌آید سوال کننده خواسته از وقوع مسئله بلا و دردی همچون ویروس کرونا و شیوع آن در ایران، یک

مستمسکی تبلیغاتی و لو مضحکانه برای تهاجم به آموزه های مقدس اسلامی دست و پا کند و احيانا شبهه ای را منتشر کرده باشد؛ به هر روی بخاطر روشن شدن بیشتر موضوع برای اهل نظر و انصاف، چند نکته را بیان می کنیم.

نکته اول: در منابع اسلامی نسبت به زیارت و توسل به اولیای الهی تاکید شده است و حتی از ارزشها و شعائر الهی به شمار می رود و کما اینکه ریشه در آیات قرآن دارد. در سوره مائده آمده است: « ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوی<sup>۱</sup> » « با دقت در روایت و تطبیق با معنای آیه خواهید دید که وسیله عبارت است از مقامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد پروردگارش دارد، و آن جناب به وسیله آن مقام می تواند به درگاه خدای تعالی تقرب جوید، و آل طاهرینش و بعد از آنان صالحان از امتش به آن جناب ملحق می شوند، هم چنان که در بعضی از روایات صادره از آل محمد (علیهم السلام) آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست به دامن پروردگارش می زند و ما دست به دامن او می زنیم و شما (شیعیان ما) دست به دامن ما می زنید<sup>۲</sup>. » همچنین در مورد داستان پسران حضرت یعقوب علیه السلام آمده است که پس از آنکه برادران یوسف فهمیدند برادرشان عزیز مصر است و متوجه گناهان خود شدند از پدر تقاضا کردند برایشان طلب استغفار کند. (پسران یعقوب) گفتند: « ای پدر، برای گناهان ما (از خداوند) آمرزش بخواه، که همانا ما خطاکار

۱ - مانده: ۳۵، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

۲ - سید محمدباقر، موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۵، ص: ۵۴۶

بودیم.<sup>۱</sup> و پدرشان نیز پذیرفت. «گفت: به زودی برای شما از پروردگار خویش آموزش می‌خواهم (بگذارید شب جمعه شود یا روز وصل یوسف رسد) مسلماً او همان بسیار آمرزنده و مهربان است.<sup>۲</sup>» کما اینکه در سوره نساء می‌فرماید: «هنگامی که به خود ستم می‌کردند به نزد تو (پیامبر) می‌آمدند و از خدا طلب آموزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.<sup>۳</sup>» پس خداوند شرط قبولی توبه را آمدن نزد پیامبر و استغفار پیامبر نیز قرار داده است. و باز در سوره مائده تاکید می‌کند که: «ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.<sup>۴</sup>» در این آیه خداوند برای تقرب به او، داشتن وسیله را لازم می‌داند. به خوبی از آیات فوق استفاده می‌شود که خواستن و تقاضای بخشیده شدن از خداوند متعال در پرتو توسل به اولیای الهی همچون حضرت یعقوب علیه السلام، نه تنها منافات با توحید ندارد، بلکه راهی است برای رسیدن به لطف پروردگار، و گرنه چگونه ممکن بود یعقوب پیامبر خدا آنها را نهدی نکند و حتی توسل آنها و تقاضای فرزندان که دایره به استغفار به درگاه خدا برای آنان بود را بپذیرد.

نکته دوم: در این دنیای مادی امور طبق نظام اسباب و مسببات صورت می‌پذیرد. که در آن هر معلولی علت خاص خود را دارد و اگر بنابر عنایت یا معجزه کرامت و یا شفاعت

۱ - یوسف: ۹۷، ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾

۲ - یوسف: ۹۸، ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾

۳ - نساء: ۶۴، ﴿... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾

۴ - مائده: ۳۵، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

(که گاهی طبق شرایط خاصی بعنوان یک امر استثنایی می شود اسباب و علل امور) برای حل مشکل عده ای کاربرد پیدا می کند و بنا نیست برای همه جاری شود به ویژه اینکه عموماً برای انسانها معلوم نیست در توسل آیا همان نتیجه دلخواه رخ می دهد؟ و در صورت قبول چگونگی و کی این عنایت انجام می پذیرد از این رو برای وضعیتی همچون کرونا احتیاط عقلی حکم می کند اصول بهداشتی را عمل نمود و از این روی طبق نظر کارشناسان بهداشت و سلامت از تجمعاتی که زمینه سرایت سریع این بیماری است پرهیز نموده و پیروان موقتاً برخلاف میل مسلمانان، مراکزی همچون مسجد الحرام، زیارت گاه های اولیایی الهی، مسجد ها، ورزشگاه ها، سینماها و نمایشگاه ها تعطیل گردد تا ارتباطات اجتماعی به حد اقل برسد. این افتخار مسلمین و تشیع است که وصول به اهداف خود را با اتخاذ طریق و وسایل مخالف نظر کارشناسان متعهد، مجاز نمی داند. چراکه بر اساس قاعده «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ، وَ كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ»<sup>۱</sup> باید توجه داشته باشیم هر آن چیزی که عقل سالم بر آن تاکید کند، یقیناً شرع برخالف آن حکمی صادر نخواهد کرد و تبعیت از آن الزم است.

نکته سوم: ارتباط با خدا و توسل به اولیای او محدود به مکان و زمان خاصی نیست گرچه در اماکن مقدسه انجام عبادات و توسل به اولیای الهی امید بیشتری به قبولش می باشد ولی هیچ گاه منحصر به آن جاها نبوده است لذا بستن آنها منافاتی با توسل داشتن ندارد قرآن در

سوره بقره می فرماید: «هر جا که رو کنی همانجا طرف خداست»<sup>۱</sup> کما اینکه بابا طاهر به خوبی این مطب قرآنی را در قالب شعر بیان نموده است.

به صحرا بنگرم صحرات بینم

به دریا بنگرم دریات بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

نشان از قامت رعنائ بینم<sup>۲</sup>

نکته چهارم: همواره اولیای دینی تأکید بر مراعات بهداشت و نظر کارشناسان دارند پس بستن اماکنی مذهبی و کنترل و جلوگیری از ازدحام جمعیت که زمینه سرایت بیماری هست علاوه بر اینکه امری عقلایی و بهداشتی است از دستورات و تأکیدات گزاره های دینی هم می باشد. کما اینکه در این زمینه از خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) روایات بسیار و برجسته ای به چشم می خورد. آقای محمدی ری شهری در کتاب «دانشنامه احادیث پزشکی» تعداد زیادی از این دست روایات جمع آوری نموده است، در این راستا مجموعه بیانات ارزشمند علمی و پزشکی امام رضا علیه السلام که به صورت کاربردی به شرح خواص غذاها و نوشیدنیها، پرداخته اند و راهکارهای بهزیستی و بهداشت

۱ - بقره: ۱۱۵، ﴿اینما تولوا فثم وجه الله﴾

۲ - باباطاهر، دیوان اشعار، دویتی شماره، ۶۲

و سلامت را به انسان می آموزند بجا است که برای نمونه به برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام اشاره داشته باشیم: امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «کسی که دوست دارد، خیر و برکت خانه اش زیاد شود، هنگام غذا دستهای خود را بشوید.<sup>۱</sup>» امام صادق (علیه السلام) فرمود: «دست های خود را قبل از غذا و بعد از آن بشوید، زیرا این کار فقر را از بین می برد و عمر انسان را زیاد می کند.<sup>۲</sup>» امام رضا (علیه السلام) فرمود: «کسی که تکه سفالی را از حمام بردارد و با آن بدنش را خارش دهد و دچار بیماری پسی شود، نباید جز خودش را سرزنش کند و هرکس از آبی که در آن شستشو کرده اند، شستشو و غسل کند و دچار مرض جذام شود، جز خودش را سرزنش نکند.<sup>۳</sup>»

نکته پنجم: بسیار شگفت انگیز که این ابتلاء به ویروس آغازگر یک رنسانس باشد!، خصوصا که تاریخ رنسانس و علل وقوع آن به هیچ وجه کمترین تاییدی بر این مطلب نداشته است. با نگاهی گذرا بر منابع مربوط به تاریخ معاصر غرب به سادگی قابل درک و فهم است که از علل رنسانس تشدید اختلافات طبقاتی ناشی از سیستم فئودالی، رابطه پادشاهان با کلیسا، گسترش بازرگانی، کشف باروت، گسترش فن چاپ ... هستند نه بیماری همچون

۱ - محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۳۵۸، «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْفُرَ خَيْرٌ مِنْهُ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، (يَعْنِي غَسَلَ يَدَيْهِ)»

۲ - احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، «اغسلوا أيديكم قبل الطعام وبعده فإنه ينفي الفقر ويزيد في العمر»

۳ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۰۴، «مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ خَرْقَةً فَحَكَ بِهَا جَسَدَهُ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ، وَ مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ، فَأَصَابَهُ الْجُدَامُ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»

طاعون که ادعا شده است!!!!. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۵ «رنسانس»؛ سید احمد رهنمایی، غرب شناسی)

نتیجه: از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که اسلام یک دین عقلانی، جهان شمول و مربوط به همه دوران انسانی است که احکام و گزاره های ارزشیش در پرتو حفظ اصول و مبانی الهی خود، اگر زمانی ضرورت عقلی و منطقی پیدا کند، انعطاف نشان می دهد کما اینکه به منظور پیشگیری از بیماری ایرادی ندارد که موقتا درب اماکن مقدسه بسته شود چراکه این اقدام، یک اقدام عاقلانه و در مسیر پیشگیری از سرایت بیماری کرونا است. خصوصا که حفظ سلامتی امت اسلامی از اوجب واجبات است. و بسیار شگفت انگیز است که کسی فکر کند این گونه موارد باعث رنسانس می شود بر عکس آنچه بیشتر به نظر میرسد اینکه اینگونه امور پیش حق جویان منصف بیشتر نوید، آغازگری رنسانس فکری در جهت کارا بودن دین عقل مدار بودن احکام و ارزشهای تشیع در ایران را می رساند.





فصل پنجم

علم، دین، کرونا

## رابطه علم و دین

علمای دینی همواره بلاها و مشکلات اجتماعی را ناشی از گناهان انسان‌ها یا امتحانات الهی معرفی می‌کردند؛ اما ویروس کرونا و فراگیری خطرناک آن موجب شد که همه تبیین‌ها و تفسیرهای گذشته را فراموش کرده و در مقابل نظر پزشکان تسلیم شوند و برای در امان ماندن از این بیماری حتی همه مکان‌ها و مراسم‌های مذهبی را تعطیل کنند.

پاسخ:

اولاً؛ این شبهه یکی از مصادیق شبهه تعارض علم و دین است. تعارض علم و دین یک از انگاره‌های فلسفی و فرهنگی دنیای غرب است که بر جهان اسلام قابل انطباق نیست. مبانی و آموزه‌های دین اسلام هرگونه تعارض مستمر و واقعی میان علم و دین را نفی می‌کند. از نگاه اسلام دین و علم مکمل یکدیگر و هرکدام به بخشی از واقعیت هستی نظر دارند.

ثانیاً؛ جهانی که در آن زندگی می‌کنیم بر پایه نظام علیت بنا شده است. در این جهان هرپدیده‌ای دارای علت‌های مادی و معنوی است. بیماری و سلامت انسان‌ها نیز علل و زمینه‌های مادی و معنوی خود را دارد. به حکم عقل، دین و تجربه، رعایت مسائل بهداشتی و ایجاد زمینه‌های سلامت، موجب بالا رفتن احتمال سلامتی و کاهش بیماری‌ها و عدم رعایت این امور موجب افزایش بیماری و فزونی احتمال اختلال در سلامت فردی و عمومی است. دین اسلام نه تنها به دانش پزشکی و تغذیه بی‌اعتنا نبوده بلکه خود در بالندگی آن

نقش مهمی داشته است. در قرون نخستین اسلام بسیاری از پزشکان پرآوازه، خود از عالمان و فقیهان دینی بوده‌اند. با این وجود آیا می‌توان ادعا کرد که همه بیماری‌ها، نشانگان تشخیصی و راه‌ها و داروهای درمانی آن توسط دانش پزشکی کشف و معرفی شده است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که علت همه بیماری‌های جسمی تنها و تنها ویروس‌ها و باکتری‌های مضر است و امور معنوی و روحی در بیماری و سلامت جسم نقشی ندارد؟ یقیناً هیچ‌کس نمی‌تواند چنین ادعایی بکند و اساساً چنین ادعایی از نظر عقل و علم مردود است! بنابر این علت یا علل مشکلات جسمی همچنان که می‌تواند مادی باشد، ممکن است معنوی بوده و به سبب رفتارهای غیراخلاقی و غیرشرعی انسان‌ها باشد. علل معنوی، علل بعید پدیده‌ها است و علل مادی، علل قریب آن. علل بعید همواره از طریق تأثیر بر علل قریب، عمل کرده و حوادثی را ایجاد می‌کند. توجه به علل قریب حوادث و غافل‌شدن از علل بعید، موجب ماندگاری مشکلات است. بنابر این توصیه عالمان دین به رعایت امور بهداشتی، علاوه بر اینکه توصیه خود دین است، به خاطر جامع‌نگری نسبت به حوادث جهان است. ادیان الهی به ما آموخته است که مهربانی، بخشندگی، خوش اخلاقی، خیرخواهی، پاک دستی، پاکدامنی و دیگر فضائل اخلاقی و مهم‌تر از همه ارتباط معنوی و عمیق با جان جهان و مبدأ و منتهای عالم وجود، یعنی خداوند مهربان، علت نخستین همه خیرها و سودمندی‌ها است؛ همچنانکه نامهربانی، بخل، حسد، مردم‌آزادی، دروغ، تباہ کردن حقوق انسان‌ها، بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و حدود الهی و ارتکاب گناهان ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و مشکلات بشر است. پیامبران و امامان (علیهم السلام) هرگز علت‌های مادی را نفی نکرده‌اند؛ بلکه چشم انسان را از محدود ماندن در اسباب مادی به افقی فراخ‌تر و عمیق‌تر در

عالم هستی باز کرده‌اند. از این رو هم‌پای توجه به علت‌های مادی می‌بایست به علت‌های معنوی نیز توجه شود و برای پیشگیری از مشکلات، حل نابسامانی‌ها و بالابردن کیفیت زندگی، لازم و ضروری که هم از علت‌های مادی و هم علت‌های معنوی غافل‌نمانیم.

ثالثاً؛ امروزه علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در کنار عقل و دین، بر اهمیت اخلاق و معنویت و نقش آن در بهزیستی انسانی در ابعاد گوناگون زندگی تأکید می‌رود. حتی جامعه‌شناسان ملحدی مانند مارکس و بر هم دین و معنویت را موجب انسجام و یکپارچگی جامعه و در نتیجه عامل بسیاری از خیرها و سودمندی‌های عمومی می‌دانند. دین و معنویت موجب معنا یافتن و هدفمندی زندگی و ایجاد امید در دل‌های انسان‌ها شده و انسان‌ها را از احساس تنهایی و وحشت می‌رهاند؛ هرچند این آثار بخشی از آثار غیر مادی دین و معنویت است و تبیین آثار تکوینی و حقیقی آن در گستره وجود انسان تنها در اختیار پیامبران الهی است. تحقیقات پزشکی و روان‌شناسی تجربی بر این امر تأکید دارند که نظام سلامت جسمی، بسیار بیش از آنچه انسان‌ها تصور می‌کنند به سلامت فکر، احساس و فرایندهای روان‌شناختی افراد بستگی دارد. آنچنان که بیماری فکر و عاطفه می‌تواند جسم انسان را تضعیف و آماده گرفتار شدن به انواع بیماری‌های دشوار و کشنده کند. استرس مهم‌ترین عامل بیماری در جهان امروز است. دین و معنویت و اخلاق با ارائه سبک زندگی مبتنی بر اهداف متعالی و معنا بخشی به زندگی انسانی، یاری‌گر و کامل‌کننده دانش پزشکی در شناخت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها و بالابردن کیفیت سلامت جامع‌نگر انسانی است. بنابر این توصیه به رعایت مسائل بهداشتی و پزشکی اساساً هیچ منافاتی با رعایت مسائل معنوی، توبه و توسل ندارد و این هر دو در کنار هم می‌تواند مشکلات را حل کند. همان دینی که

گناهان را علت برخی از بیماری‌ها و مشکلات انسان‌ها معرفی می‌کند، بی‌توجهی به بهداشت و مسائل پزشکی را هم نامطلوب و حتی حرام دانسته و بر نقش آن در بروز بیماری و فقر تأکید می‌کند!

ویروس کرونا می‌تواند رنسانس بزرگی در فکر مذهبی ایجاد کند و نگاه آسمانی به رویدادهای زمینی را دگرگون کند! نگاه الاهیاتی به بلاها و مشکلات طبیعی و اجتماعی در برابر نگاه علمی، منفعل شده و بر همه روشن شد که تنها علم می‌تواند به بشر کمک کند تا بر این بحران‌ها غلبه کند؛ نه آنچه دین و علم دینی می‌گوید! نگرشی که به دیده تحقیر در علم تجربی می‌نگریست، امروز از علم تجربی انتظار گره‌گشایی دارد؟

پاسخ:

اولاً؛ این شبهه بر مبنای علم‌پرستی و تقلیل همه پدیده‌ها و فرایندهای هستی به امور محسوس و قابل تجربه حسی بنا شده است. علم تجربی با وجود خدمات بزرگی که از ابتدای خلقت انسان تاکنون به بشریت نموده و گره‌های فراوانی که از مجهولات و مشکلات انسان‌ها گشوده، تنها به جهان محسوس و ملموس اختصاص دارد. این انتظار که علم همه مجهولات بشر را معلوم کرده و همه مشکلات بشر را برطرف کند، انتظاری است که با

واقعیت علم سازگار نیست و هیچ عالم و فیلسوف علمی هم آن را ادعا نکرده و تاکنون هم تحقق نیافته است. دین در کنار علم و مکمل آن بوده و در صدد تکمیل کاستی‌های ذاتی آن است. این دو هدیه الهی در کنار هم می‌توانند زندگی بشر را سعادتمندانه‌تر کنند.

ثانیا؛ عقل، تجربه و دین<sup>۱</sup> هر سه بر این مسأله تأکید دارند که انسان‌ها در اموری که به آن دانا نیستند و دانایی در آن نیازمند تخصص و دانش منظم و عمیق است، می‌بایست به متخصصان و عالمان شناخته شده و امین رجوع کنند. این حکم عقلانی و دینی، مطلق است و همه امور دنیایی و معنوی انسان را در همه شاخه‌ها و ابعاد شامل می‌شود؛ عقل سلیم و ذوق عقلانی بشر چنان با این مسأله آشنا است که هرکس بدون مشورت با افراد دارای صلاحیت، به کاری که در آن تخصص و دانش کافی ندارد، دست زده و گرفتار آسیب گردد، بی‌درنگ از سوی عاقلان سرزنش می‌شود. بر این اساس همچنانکه همه مردم و از جمله پزشکان باید در مسائل مربوط به معنویت و دین به عالمان و متخصصان دین‌شناس و معنویت‌شناس مراجعه کنند و از تخصص آنان در امور دینی و معنوی بهره‌گیرند، عالمان و متخصصان دینی هم موظف‌اند در امور پزشکی به پزشکان کارآزموده و امین مراجعه کنند. بی‌اعتنایی به نظر پزشکان با تجربه و مورد اعتماد، از نظر دین و عقل محکوم است؛ همچنانکه بی‌اعتنایی به امور معنوی و نظر متخصصان دینی از سوی دیگران، مردود و غیر منطقی است.

۱ - نحل: ۴۳، ﴿...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

ثالثاً؛ همان دینی که انسان‌ها را به دعا، توبه، توسل به ارواح پاک و متعالی اولیای الهی، اخلاق حسنه و پرهیز از بد اخلاقی‌ها و ارتکاب محارم الهی تشویق و توصیه می‌کند و گناه و بد اخلاقی را عامل بسیاری از مشکلات و بیماری‌ها می‌داند، رجوع به متخصصان در امور مهم را هم واجب دانسته و بی‌اعتنایی به آن را گناه و موجب عقوبت می‌شمارد. در این راستا سخنان بسیاری از معصومان (علیهم السلام) صادر شده که اهمیت مسأله از نگاه دین را آشکار می‌کند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: « هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید، و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد. » لزوم رجوع به متخصصان در امور دین و دنیا از احکام خود دین است و کسی که به آن بی‌اعتنایی کند، به امر دین بی‌اعتنایی کرده است.

رابعاً؛ این سخن که روحانیان و افراد مذهبی با علم و دانش انسانی مخالف بوده و در آن به دیده تحقیر می‌نگریسته‌اند، اتهامی بسیار زشت و دور از واقعیت است. نه تنها در هیچ آیه و روایت معتبری، دانش‌های انسانی کم اهمیت تلقی نشده، بلکه آیات و روایات فراوانی بر اهمیت و لزوم یادگیری دانش‌های مورد نیاز انسان‌ها، حتی با دانش‌آموختن از کافران و مشرکان، تأکید شده است. خواجه نصیر الدین طوسی و ابوریحان بیرونی نمونه‌هایی برجسته از اتحاد علم و دین به شمار می‌رفته‌اند. امروزه هم بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران در همه جای دنیا از مؤمنان و معتقدان به ارزش‌های دینی و اسلامی‌اند. آیا پزشکانی که در

۱ - محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت: ۱۶۱، « مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. »

کشور ما هم اکنون با اقتدار و تعهد مثال‌زدنی، مشغول کمک به بیماران‌اند، مسلمان و مؤمن نیستند؟!

خامسا؛ این ادعا که تنها علم تجربی می‌تواند مشکلات بشر را برطرف کند، ادعایی بی‌دلیل و دقیقا مخالف با واقعیت زندگی است. نه عالمان علوم تجربی چنین ادعایی دارند و نه علم بشر در عمل توانسته است همه مشکلات بشر را برطرف کند. علم تجربی هرچند خدمات زیادی به انسان‌ها کرده و در مجموع، زندگی را قدری آسان‌تر نموده است؛ اما نه تنها همه مشکلات را برطرف نکرده، بلکه مشکلات دیگری برای بشر ایجاد کرده است. بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج، مثل برخی از سرطان‌ها، که در موارد زیادی معلول پیشرفت‌های علمی و صنعتی و فن‌آوری است، هنوز برای علم پزشکی ناشناخته است و برخی از روش‌های درمانی و داروهای که بشر بواسطه علم تجربی ساخته، خود دارای عوارض جانبی است و اگرچه عوارض بیماری خاصی را برطرف می‌کند؛ ولی ممکن است مشکلات و ناراحتی‌های دیگری برای مصرف‌کننده ایجاد کند. در همین موضوع کروناویروس، دانشمندان زیست‌شناس و پزشکان با صراحت اعتراف می‌کنند که ماهیت این ویروس ناشناخته است و در حال حاضر هیچ دارویی برای آن وجود ندارد. پزشکان تصریح می‌کنند که بهترین درمان این بیماری، پیشگیری از ابتلای به آن است! بنابر این دست‌کم در حال حاضر علم پزشکی و ویروس‌شناسی نتوانسته است این مشکل را برطرف کند؛ البته این موضوع چیزی از اهمیت علم تجربی کم نمی‌کند، اما یقینا بطلان علم پرستی را فریاد می‌زند!

به نظر شما دینداری بهتر است یا علم؟ دین ما را به توسل و دعا و گریه فرا می خواند تا دری از آسمان گشوده شود و مشکل حل شود، اما علم ما را به آزمایش و تجربه و حل درمان از طریق تلاش و کوشش فرا می خواند؛ کدام مفیدتر و عاقلانه تر است؟ آیا این دو تعارض نیست؟

پاسخ:

مقدمه: چگونگی رابطه دین و علم از دیرباز مورد توجه دین باوران و اندیشمندان بوده و پیرامون آن بحثها و گفتگوهای فراوانی صورت پذیرفته است؛ در این راستا مسئله مقابله و تعارض علم و دین از گفتمانهای اندیشه های غرب است که به لحاظ فلسفی و تاریخی قابل انطباق و سرایت بر جهان اسلام نیست. چراکه از نگاه اسلام دین و علم مکمل یکدیگر و هر کدام به بخشی از واقعیت هستی نظر دارند. نه تنها در هیچ آیه و روایت معتبری، دانشهای انسانی کم اهمیت تلقی نشده، بلکه آیات و روایات فراوانی بر اهمیت و لزوم یادگیری دانشهای مورد نیاز انسانها، حتی با دانش آموختن از کافران و مشرکان، تأکید شده است و وجود صد ها دانشمند پرآوازه ای همچون زکریای رازی، ابوعلی سینا و... از پیامدهای همین علم گرایی اسلام است.

برای تبیین بحث به نکاتی اشاره می کنیم:

نکته اول: به نظر می‌رسد منظور شما از علم، تلقی رایج از علم، در روزگار ما یعنی همان علم تجربی است که از راه آزمایش و تجربه حاصل شده و دستاوردهایی چون تکنولوژی را به همراه داشته است. اما مشخص نفرمودید که مراد شما از «دین» کدام است؟ چراکه تاریخ نشان می‌دهد که پیروان ادیان گوناگون در مواجهه با علم، رویکرد واحدی نداشته و هرکدام به فراخور مقتضیات زمان و آموزه‌های خود، تقابل خاصی را رقم زده‌اند. پس هنگامی که از تقابل دین و علم سخن به میان می‌آید، باید دقیقاً مشخص شود که منظور از دین، کدام دین و یا مذهب است. به عنوان مثال، ادیانی همچون مسیحیت که در تقابل با علم جدید رویکرد مثبتی نداشته و دانشمندانی همچون گالیله را تحت فشار قرار می‌دادند، نمی‌توانند کارنامه مطلوبی را از این تقابل از خود نشان دهند به خلاف اسلام که از ابتدا در قالب صدها ایه کتاب آسمانیش و هزاران روایت مشوق عقل‌گرایی و علم‌گرایی بوده است.

نکته دوم: حوزه‌ای فعالیت علوم تجربی، مسائل تجربی و آزمایشگاهی است و تنها در این حوزه است که می‌توانند، نظریه پردازی نمایند و از نظر علمی نظریه‌ها و فرضیه‌ها را ارزشمند و قابل توجه خواهد بود. اما اگر مسئله‌ای موضوعاً از دسترس تجربه و آزمون خارج بوده و مربوط به مباحث متافیزیکی و فرا مادی باشد، دیگر از عرصه بررسی علوم تجربی خارج شده است و علوم تجربه‌نویا یا اثباتا نمی‌تواند در خصوص آن نظری داشته باشد. از این روی نمی‌توان برای تبیین نقش و کارکردهای دعا و توسل و ارتباط با ملکوت صرفاً به علم تجربی مراجعه نمود. علامه شهید مرتضی مطهری در این خصوص می‌فرماید: «دین یک رسالتی دارد که این رسالت از غیر دین ساخته نیست یعنی از عقل و علم و فکر بشر این

رسالت ساخته نیست و اگر در حدود علم و عقل بشر می بود به همان عقل و علم بشر واگذار می شد و دیگر پیغمبران مبعوث نمی شدند.<sup>۱</sup> »

نکته سوم: انسان برای درک سعادت واقعی و پایدار مضطر به دین است علم به تنهایی در ارائه یک راه حل کلی و منطبق با همه نظام هستی در راستای سعادت انسان ناتوان است تا بتواند درمان کننده همه دردهای درونی و روحی انسان باشد، و همچنین با توجه به محدودیت ابزار شناخت در حسیات و تجربیات ناتوان از امکان اظهار نظر و پاسخ به مسائل اساسی مربوط به جهان به ویژه زندگی در عالم بقاء پس از مرگ است به همین دلیل انسان برای درک سعادت واقعی خود مضطر به اندیشه‌های دینی است. از این رو باز باید گفت دین و علم مکمل همدیگرند نه معارض هم دیگر. و هیچ کدام جای را برای دیگری تنگ نکرده است بلکه مکمل همدیگرند.

نکته چهارم: در همین علوم تجربی دعا کردن را یک نیاز درونی و آرامش دهند انسان شمرده اند. الکسین کارل می گوید: «نیایش و تضرع و طلب استعانت گاهی یک حالت کشف و شهود و آرامش درونی و بدور از محسوسات در انسان به وجود می آورد؛ نیایش پرواز از روح به سوی خدا یا حالت پرستش عاشقانه نسبت به جدایی از اوست که معجزه حیات را آفریده است، و بالاخره نیایش نمودار کوشش انسان است برای ارتباط با آن وجود

نامرئی که آفریننده عقل کل، قدرت مطلق و خیر مطلق است» (نماز زیباترین روح پرستنده، جلال رفیع، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۹)

چراکه همانطور که دارو، تلاش های علمی و بهره مندی از دانش های تجربی در حکم واسطه فیوضات الهی از عوامل مؤثر در درمان است، دعا و توسل نیز به شکل اعجازین و فراسوی علل و اسباب عادی. در چارچوب اذن، اراده الهی و واسطه ای برای دریافت فیض الهی و آرامش بخشی روح رون مؤثر هستند و این رو هر علم ودین در کنار هم همزاد و مکمل یکدیگرند.

نکته پنجم: خود اولیای دینی هم به سببیت اسباب مادی در جریان امور، اعتقاد داشتند و در زندگی در کنار دعا تاکید بر مراعات نظر نظرات عقلایی و بهداشتی کارشناسان و پزشکان دارند کما اینکه در این زمینه از خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) روایات بسیار و برجسته ای به چشم می خورد. آقای محمدی ری شهری در کتاب «دانشنامه احادیث پزشکی» تعداد زیادی از این دست روایات جمع اوری نموده است، در این راستا مجموعه بیانات ارزشمند علمی و پزشکی امام رضا علیه السلام که به صورت کاربردی به شرح خواص غذاها و نوشیدنیها، پرداخته اند و راهکارهای بهزیستی و بهداشت و سلامت را به انسان می آموزند بجا است که برای نمونه به برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام اشاره داشته باشیم:

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «کسی که دوست دارد، خیر و برکت خانه اش زیاد شود، هنگام غذا دستهای خود را بشوید.»<sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) فرمود: «دست های خود را قبل از غذا و بعد از آن بشوید، زیرا این کار فقر را از بین می برد و عمر انسان را زیاد می کند.»<sup>۲</sup>

امام رضا (علیه السلام) فرمود: «کسی که تکه سفالی را از حمّام بردارد و با آن بدنش را خارش دهد و دچار بیماری پسی شود، نباید جز خودش را سرزنش کند و هرکس از آبی که در آن شستشو کرده اند، شستشو و غسل کند و دچار مرض جذام شود، جز خودش را سرزنش نکند.»<sup>۳</sup> و حتی خود آن بزرگواران نیز هنگام بیماری به پزشک مراجعه می کردند و شفای الهی را نیز در همین چارچوب می دیدند. مثلاً وقتی حضرت علی ضربت شمشیر را خوردند، پزشک یهودی آمد و به معجزه خدا چشم ندوختند.

نکته ششم: گفتمان اسلامی نه تنها به بهداشت در سبک زندگی و پزشکی بی اعتنا نبوده بلکه با تاکید بر مسئله علم آموزی خود در بالندگی آن نقش مهمی داشته است. از دل همین

۱ - محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۳۵۸، «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْتُمَ خَيْرَ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، يَعْنِي غَسَلَ يَدَيْهِ»

۲ - احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، «اغسلوا أيديكم قبل الطعام وبعده فإنه ينفي الفقر ويزيد في العمر»

۳ - محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۵۰۴، «مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ خَرْقَةً فَحَاكَ بِهَا جَسَدَهُ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ، وَ مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ، فَأَصَابَهُ الْجُدَامُ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»

تفکر بود که دانشمندان بزرگی چون ابوعلی سینا، خوارزمی، جابر بن حیان، ابن هیشم، ابوریحان بیرونی، فارابی، زکریای رازی و ... در تاریخ فرهنگ اسلامی ظهور کردند.

در قرون نخستین اسلامی بسیاری از پزشکان پرآوازه، خود از عالمان دینی بوده اند. حنین بن اسحاق مترجم معروف و مؤلف کتاب «العشر مقالات فی العین» که قدیمی ترین کتاب درسی منظم چشم پزشکی است و علی بن عیسی بزرگ ترین چشم پزشک اسلام که کتاب «تذکر الکحالیین» وی تا قرن ۱۸ در اروپا تدریس می شد.

ابوبکر محمد رازی (۲۵۱-۳۱۳ هـ.ق) از معروفین پزشکان مسلمان است که در اروپا به نام رازی معروف است. از جمله کتاب های معروف او «حاوی» در بیست جلد بود که از همه فروع طب سخن می گفت.

در مدرسه طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته اند که یکی از رازی و دیگری از ابن سینا از فیلسوفان بزرگ و معروف ترین طبیب اسلام است. کتاب معروف او، «قانون» (کتاب القانون فی الطب) که بحث مفصلی در زمینه وظایف الاعضاء، علم بهداشت، پزشکی، درمان و داروشناسی است.

نتیجه: پرسش از این که دینداری بهتر است یا علم، پرسش نادرستی است؛ چنانکه پرسش از این که آب نوشیدن بهتر است یا غذا خوردن، پرسش نادرستی است. همان طور که بدن ما هم به آب نیاز دارد و هم به غذا، حیات انسانی ما نیز وابسته به تعامل علم و دین است. به باور درست، علم و دین مکمل یکدیگرند و هیچ تعارضی با هم ندارند تا مجبور باشیم یکی را به جای دیگری برگزینیم. کما اینکه وجود دانشمندان مسلمان اهل طب،

شیمی، ریاضی و... همچون رازی و ابوعلی سینا، تایید بر این مسئله است از این رو، ما هم بخاطر نیازهای مختلف در ابعاد زندگی از طرفی ضرورت به دعا و ارتباط با خدا و همچنین امیدواری به رحمت و قدرت نامحدود خدا داریم و از طرف دیگر هم موظفیم به باور حکمت الهی و پیروان اینکه روشهای عادی مؤثر در درمان بیماری را بیماییم چرا که ممکن است در این مورد حکمت خداوند چنین اقتضا کرده باشد که شفا نه صرفاً از طریق دعا بلکه از طریق علل و اسباب متعارف انجام گیرد؛ چنانکه در روایتی آمده «خداوند ابا می ورزد از این که کارها را جز از طریق علل و اسباب انجام دهد و به همین جهت، برای هر کاری سبب و علتی قرار داد»<sup>۱</sup> و حتی در پرتو تاکید ویژه گفتمان اسلامی به آموزش پزشکی تاریخ بشری مزین به اندیشمندان جهانی مسلمان همچون رازی و ابن سینا می باشد.

## سیاسی

آمار مبتلایان و بهبود یافتگان و تلف شدگان ویروس کرونا با آمار غیر رسمی تفاوت زیادی دارد در حالیکه جمهوری اسلامی اصرار دارد مردم اخبار و آمار را تنها از طریق وزارت بهداشت و صدا و سیما دنبال کنند و اکثر مردم اعتماد به این امارها ندارند و لذا به گزارش‌های منتشر شده در فضای مجازی روی می آورند؟

۱ - محمدبن حسن صفار، بصائر الدرجات / ج ۱ / ص ۶: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مِنْ عَرَفَهُ وَ جِهَلَهُ مِنْ جِهَلَهُ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ نَحْنُ»

پاسخ:

اولاً؛ حوادث هولناکی مثل زلزله، سیل، بیماریهای فراگیر، ... از مسائلی است که ترس، اضطراب و دلهره فراگیری را در میان مردم موجب می‌شود و نظم و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. گسترش رسانه‌های مجازی در کنار مزیت‌های خود، آسیب‌های بزرگی را ایجاد می‌کند. فضای مجازی امکان انتقال پیام‌های جعلی یا تحریف‌شده، که در بیش‌تر موارد همراه با شگردهای رسانه‌ای است، را به شکل بسیار گسترده‌ای ایجاد کرده است؛ به طوری که امکان تشخیص پیام درست از غلط، به ویژه برای مردم عادی، بسیار مشکل و حتی گاهی غیرممکن است. این واقعیت گاهی جامعه بزرگی را به سوی بحران و جنگ داخلی می‌کشاند. به عنوان مثال چند سال قبل تصاویری از حمله شیمیایی دولت سوریه به مناطق تحت سلطه تکفیری‌ها و کشته‌شدن تعدادی از مردم و کادر درمانی بیمارستان‌ها منتشر شد و دولت آمریکا به این بهانه، قصد آن داشت تا به کشور سوریه حمله کند؛ اما پس از چندی فیلم دیگری منتشر شد که نشان می‌داد همه صحنه‌های بمباران شیمیایی ساختگی بوده و تمام کسانی که در برابر دوربین به زمین می‌افتند، طبق سناریوی نوشته شده و با هدایت کارگردان در حال بازی‌اند و پس از اتمام نقش خود، برخاسته و بدون هرگونه مشکلی به ادامه فعالیت خود می‌پردازند! این ویژگی رسانه‌های مدرن به خطاهای ذهنی و در نتیجه اشتباهات محاسباتی مردم منجر شده و تحلیل‌های غلط و قضاوت‌های نادرست و واکنش‌های رفتاری خطرناک و می‌دارد. چنین شیوه‌های رسانه‌ای مخربی، در شرایط بحران از جمله بلاهای طبیعی که به خودی خود، اضطراب و دلهره آور است و جامعه بیش از هر زمان دیگری به آرامش، امنیت و قضاوت صحیح نیاز دارد، حائز اهمیت مضاعف است. به همین سبب در

شرایط بحران، همواره باید مرکز رسمی و واحدی کنترل و مدیریت اخبار اطمینان‌بخش را در دست داشته و از پراکندگی ذهنی و خطاهای تحلیلی مردم جلوگیری کند. در اکثر کشورهای جهان ساز و کارهایی برای انتشار اخبار درست و تفکیک آن از اخبار غلط طراحی می‌شود و راهبرد عقلانی و درستی است. بنابر این اصرار نظام به توجه مردم به اخبار رسمی و پرهیز از دنبال کردن منابع نامعتبر در فضای مجازی، قطعه‌ای جورچین مدیریت صحیح بحران است. علت تفاوت فاحش میان آمار رسمی و غیررسمی، علاوه بر اشراف اطلاعاتی منابع دولتی بر واقعیات، تعهد نظام به ارائه آمار و اخبار صحیح است؛ چیزی که در منابع ناشناس و نامعتبر وجود ندارد و این منابع با اهداف و اغراض خاص سیاسی و اقتصادی هرگونه خبر جعلی و تحریف شده‌ای را منتشر می‌کنند.

ثانیا؛ اطمینان عمومی به آمار و اطلاعات نهادهای رسمی از یک جهت به میزان مشروعیت مردمی نظام و از جهت دیگر تأیید سازمان‌های بین‌المللی بستگی دارد؛ نظامی که از سطح بالای مشروعیت برخوردار است، طبیعتاً به همان نسبت، مردمی تلقی شده و اطمینان مردم به اخبار و تحلیل‌های آن سوی نهادهای رسمی نظام افزایش می‌یابد. خواهد داد. جمهوری اسلامی ایران از پشتوانه مردمی مطلوبی برخوردار است و طبیعتاً اکثریت مردم برای دریافت اخبار به منابع معتبر داخلی مراجعه می‌کنند. مضاف بر اینکه سازمان‌های بین‌المللی که عمدتاً تحت سلطه قدرت‌های استکباری است و گزارش‌های منفی آن‌ها درباره ایران به علت احتمال مغرضانه چندان قابل اعتماد نیست، فرایند مقابله نظام اسلامی با موضوع ویروس کرونا را، فرایندی صحیح و مؤثر اعلام می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی با تأیید مواضع ایران در خصوص مقابله منطقی با کروناویروس، تمام صحنه‌سازی‌ها و دروغ

پردازی‌های ضدانقلاب را رد کرده و بر درستی گزارش‌های ایران مهر تأیید زده است. به گزارش خبرگزاری فارس، «تدروس آدانوم» مدیرکل سازمان بهداشت جهانی روز دوشنبه ادعای «پنهان‌کاری» ایران در ارتباط با آمار قربانیان ویروس کرونا جدید (کووید-۱۹) را رد کرد.<sup>۱</sup>

بیمارستان مسیح دانشوری، که امروز مهم‌ترین مرکز درمان بیماران کرونایی است، همان کاحی است که مظفر الدین شاه برای عیاشی خود ساخت و رضا شاه کبیر آن را به بیمارستانی برای رفاه حال عموم مردم تبدیل کرد؛ جمهوری اسلامی همواره کوشیده است خدمات دوران پهلوی را پیوشاند و تصویر تاریکی از آن دوران در ذهن‌ها ترسیم کند؟

پاسخ:

اولاً؛ هیچ حکومتی، حتی ستم‌کارترین حکومت‌ها، با انگیزه‌های گوناگون، برخی از خدمات مثبت اجتماعی را انجام داده و می‌دهند و حکومت پهلوی هم از این قاعده مستثنا نیست؛ انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن هرگز نخواسته است خدمات مثبت آن دوران را پیوشاند، چیزی که هست عمق و گستره فساد و ویرانی آن دوران سیاه به قدری است که جایی برای پرداختن به کارهای مثبت نمی‌ماند.

ثانیا؛ بیمارستان «مسیح دانشوری» یکی از ده‌ها مراکز درمانی است که در حال حاضر در کشور ما پذیرای بیماران کرونایی است. به اعتراف سازمان بهداشت جهانی، جمهوری اسلامی از نظام سلامت قوی و محکمی، که به برکت نظام اسلامی فراهم شده، برخوردار است و ان شاء الله با قدرت و صلابت بر بحران پیش آمده غلبه خواهد کرد. بیمارستان مسیح دانشوری که در دوران پهلوی اول بنیانگذاری شده و تا به امروز مراحل تکمیل و تجهیز آن ادامه داشته، در برابر خدمات گسترده و حیرت‌انگیز جمهوری اسلامی در حوزه سلامت، چیزی به شمار نمی‌آید. اگر رضاشاه یکی از کاخ‌های قاجار را به بیمارستانی برای مسلولان، تغییر کاربری داد، در عوض، ده‌ها کاخ مجلل در بهترین نقاط آب و هوایی کشور برای خود و وابستگانش برپا کرد. بهترین زمین‌های حاصلخیز کشور، به ویژه در شمال ایران، به تصرف خانواده پهلوی و شخص رضا شاه در آمده بود؛ به گونه‌ای که رضا شاه را بزرگ‌ترین زمین‌خوار تاریخ ایران نامیده‌اند! برجسته ساختن موضوع بیمارستان مسیح دانشوری، با هدف دفاع ناشیانه از حکومت پهلوی و زیرسؤال بردن خدمات بی‌نظیر جمهوری اسلامی است. بهترین راه برای روشن‌شدن موضوع، مقایسه آمارهای معتبر در خصوص خدمات پزشکی میان دوره پهلوی و دوران جمهوری اسلامی ایران است<sup>۱</sup>.

**اگر جمهوری اسلامی به جای این همه امام‌زاده، بیمارستان ساخته بود، الان مشکل کمبود تخت بیمارستان نداشتیم.**

پاسخ:

اولاً؛ شرایط کنونی کشور و مدیریت خوب بحران شیوع ویروس کرونا نشان داد که جمهوری اسلامی از زیرساخت‌های بسیار قوی و مستحکم سلامت برخوردار است و در مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرفته و ابرقدرت، توانایی بهتری در مهار بحران‌هایی نظیر کرونا ویروس دارد و با تکریم روحی و مادی از بیماران همه اقدار جامعه، جلوه روشنی از یک نظام سیاسی اخلاق مدار را به نمایش گذاشته است.

ثانیاً؛ یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی خودکفایی در زمینه ظرفیت‌های پزشکی، اعم از نیروی انسانی و ساختارهای فنی و علمی است. در دوران پیش از انقلاب، به علت کمبودهای فراوانی که در این زمینه وجود داشت، شاهد حضور هزاران پزشک خارجی از کشورهای شبه قاره هند بودیم، که هم از لحاظ علمی در سطح پایینی بودند و هم به علت مشکلات زبانی، این امر باعث بروز مشکلاتی می‌شد و گاهی جان شهروندان ایرانی را به خطر می‌انداخت. افزایش بیش از ۱۰۰ برابری سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد تا به رشد ۴۰۰ درصدی شاخص‌های بهداشتی و درمانی برسیم و به همین سبب، شاخص "امید به زندگی" در جامعه ایرانی در مقایسه با قبل از انقلاب از ۵۰ سال به ۷۵ سال رسید! آمارهای معتبر نشان می‌دهد که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۷ دانشکده پزشکی در دانشگاه‌های کشور وجود داشت؛ اما در حال حاضر حدود ۴۰ دانشگاه علوم پزشکی در سراسر کشور به فعالیت مشغول‌اند. ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی از حدود ۶۰۰ نفر در سال، پیش از پیروزی انقلاب

اسلامی، به حدود ۶ هزار نفر در سال افزایش یافته است. در سال ۵۷ تعداد کل پزشکان دارای کارت نظام پزشکی، حدود ۱۷ هزار نفر بود، در حالی که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۴۰ هزار پزشک در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور تربیت شده‌اند و همین مسأله جمهوری اسلامی ایران را از لحاظ شمار پزشکان به خودکفایی نزدیک کرده است. از لحاظ کیفی نیز وضعیت پزشکی و درمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار پیشرفت داشته است؛ به گونه‌ای که امروزه کشور ما به یکی از قطب‌های درمان بیماران صعب‌العلاج در خاورمیانه و جهان تبدیل شده است؛ در اوایل انقلاب بسیاری از عمل‌های جراحی تخصصی در خارج از کشور انجام می‌شد، اما اکنون به برکت نظام جمهوری اسلامی و همت متخصصان داخلی، تمام اقدامات تخصصی و فوق تخصصی به جز چند مورد نادر که در زمینه بیماری‌های ژنتیکی است، در داخل کشور و توسط پزشکان ایرانی انجام می‌شود. در تولید دارو به درجه‌ای از پیشرفت رسیده‌ایم که داروهای برخی بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج، مثل انواع سرطان‌ها در درون کشور تولید می‌شود. در درمان ناباروری به یکی از قطب‌های درمانی جهان تبدیل شده‌ایم. در پیوند اعضا و نیز در موضوع توریسم پزشکی و سایر بخش‌های مرتبط با بهداشت، درمان و سلامت، کشور ما جزء کشورهای سرآمد جهان است؛ این در حالی است که تا پیش پیروزی انقلاب اسلامی به صورت مطلق به بیگانگان وابسته بودیم!

۱- رك : <http://www.doctv.ir/Program/۱۵۷۷۱۲> ، رك : پیشرفت‌های پزشکی پس از انقلاب، گزارش رئیس

دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، خبرگزاری ایرنا، ۸۱۴۸۷۴۹۸ <http://www.irna.ir/fa/News/۸۱۴۸۷۴۹۸>

ثالثاً؛ مراقد و حرم‌های شریف امام‌زادگان در کشور ما یکی از ظرفیت‌های مهم معنوی و فرهنگی است و کارویژه‌های خاص خود را دارد. امام‌زادگان نمادهای معنویت، دینداری، پاکی، شرافت، شجاعت و شهادت‌اند. بسیاری از مردم فضای معنوی حرم‌ها و مراقد این بندگان پاک الهی را جایی برای کسب آرامش، امید و انگیزه‌های مثبت خود می‌دانند. اگر معتقدیم که به حکم عقل، «پیشگیری بهتر از درمان» است، مراقد و حرم‌ها، خود از فرصت‌های این پیشگیری است و بدیهی می‌نماید که فضاهایی که به پیشگیری از مشکلات روحی و جسمی کمک می‌کند، اگر مهم‌تر از بیمارستان نباشد، آثار مثبتش کم‌تر از بیمارستان نیست.

هرنهادی در جامعه جایگاه و کارویژه خود را دارد. همانگونه که نمی‌توان نانوائی را مهم و فروشگاه پخش مواد پروتئینی را غیرمهم دانست، یا دانشگاه را مهم و کارخانه را غیرمهم معرفی کرد و هرکدام بخشی از نیاز جامعه را تأمین می‌کند، نمی‌توان گفت بیمارستان مهم است، اما مساجد و حرم‌های امام‌زادگان غیرضروری است. این یک مغالطه غیرعلمی است و برای هرعاقلی بطلانش واضح است. انسان‌ها هم به بیمارستان برای درمان دردهای جسمی خود نیازمندند و هم به جاهایی که روحیات آنان را ارتقا بخشیده و احساس معنا و امید در زندگی‌شان را افزایش دهد! مضاف بر اینکه بیمارستان‌ها معمولاً با بودجه‌های عمومی و توسط دولت‌ها ساخته می‌شود اما مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، حرم‌های امامان و

امامزادگان توسط مردم و از طریق وجوهی مانند نذر، وقف و هدایای شخصی ساخته می‌شود.<sup>۱</sup>

## پیوست

نمونه هایی از عکس نوشته های این دفتر

### پاسخ به یک شبهه از اسلام ستیزان ۱

**خدایی که از همه کس و همه چیز قویتر است چگونه نتوانست در مقابل یک ویروس نامرئی از زائران خودش مراقبت کند؟**

خداوند برای جهان مادی قوانینی قرار داده است که باید شناسایی شده و طبق همان قوانین تصمیم گیری شود. این قوانین تکوینی بوده و در ساختار خلقت وجود دارد. گرچه خداوند می تواند انسان را در مقابل تمامی بیماری ها حفظ کند ولی اینجا دنیاست و مطابق قوانین دنیوی سیر خودش را ادامه می دهد؛ لذا قرار نیست که خداوند انسان را در مقابل تمامی بیماری ها حفظ کند.



صدقه، دعا و امور معنوی چه نقشی در برطرف کردن بلا و بیماری دارند؟



اولاً آفرینش انسان بر ابتلا است بنابراین صدقه، دعا و رعایت قوانین طبیعی در کم و آسان کردن یا تغییر بلا اثر دارد نه اینکه کلاً مومن هیچ مبتلا نمی شود. ثانیاً: گاهی بلا به مصلحت مومن است لذا صدقه مانع آن نمی شود گاهی صدقه و دعا اثر نا محسوسی دارد مثلاً اگر قرار بود با یک بیماری جان مومن گرفته شود صدقه باعث دفع مرگ شده و او بیماری شود.



NEW YORK POST

LAST CITY FINAL

SUNDAY MARCH 15, 2020 / Party sunny, 54° / Weather: Page 20

SUNDAY nypost.com \$3.00

روزنامه خراسان

# HEAVEN HELP US!



NY Archdiocese chair: There's never been a time in history as we're trying to stop off the spread of the coronavirus as hundreds more have diagnosed and many die. Biden is keeping city schools open despite pressure from officials and the teachers union.

SEE PAGES 4-9

**COVID-19 forces Catholic Church to cancel Mass** | **Teachers to stage sickout as NYC schools stay open** | **Two NYers die, state cases explode to 613**

فرعون باشی یا نمرود، دنیا هم از تو ترسد، اما فقط یک کرونا کافی است که بفهمی این همه در خیال بوده و تو خیلی ضعیفی و باید به ابر قدرت حقیقی پناه ببری.

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

(آل عمران / ۱۸۹)

و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست. و خداوند بر هر کاری تواناست

عکس صفحه اول روزنامه نیویورک پست آمریکا (ترجمه تیترو روزنامه):

پروردگارا به ایالت متحده کمک کن



اگر خداوند تدبیر جهان را به انسان واگذار کرده، اختصار معجزه و دخالت در طبیعت از خدا درسمت نیست و اگر تدبیر انسان به خدمت خداست پس چرا جلوی مریضی کرونا را نمی‌گیرد؟



تدبیر جهان ذیل اراده و مشیت خداوند به انسان واگذار شده است. یعنی انسان برای اداره زندگی خودش باید تلاش کند و برای انتخاب مسیر از عقل و درایت خود استفاده کند و لکن همه این تلاش‌ها ذیل یک قدرت قاهره و مسلط است که در تکوین انسان را مختار آفریده است.



نمادیندگر مقام معظم رهبری

## «پاسخ به شبهات»

در روایات منتسب به ائمه (علیهم السلام) آمده است که: «در زمان فراگیری فتنه‌ها به قم و حوالی آن بروید (بحار ج ۵۷ ص ۲۱۷)» این چه پناهگاهی است که با ویروس به تعطیلی کشیده شد و دست زدن و بوسیدن ضریحش ممنوع شد؟ منظور از قم به عنوان حرم اهل بیت، امنیت معنوی است نه صرف جسمی و مادی، پس مردم قم از هر بیماری و بلائی مصون نیستند، اینجا دنیاست و قوانین و قواعد خاص خودش را دارد و هیچ گونه استثنائی در آن نیست حتی در مکه و مسجد الحرام نیز ممکن است آتش سوزی اتفاق افتد، قحطی و مریضی اتفاق افتد.



عالم فرشتگان دنیای بدون ابتلا

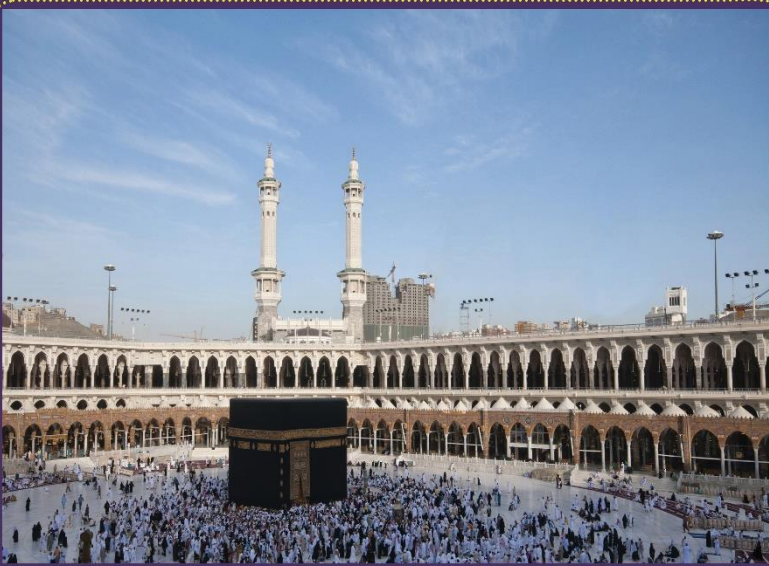
**بوخی از شووری که در عالم وجود دارد یا نتیجه اعمال خود انسان است که با سوء اختیار و اعمال فاهوست، آن ها را تا حدودی از مسیر اصلی خود منحرف میکند و یا برای ابتلا و امتحان بندگان است**

عالم مادی دنیای پر از ابتلا



**مگر همه چیز مقدر نشده است (قُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا)؟ پس چرا این قدر نگران بیمار شدن یا نشدن هستیم؟! اگر قرار است بیماری بگیرم، پس می گیرم و اگر هم نه پس نمی گیرم! دقیقاً من چقدر مؤثرم در این که سرنوشتم چطوری نوشته بشود؟**

حوادثی که برای انسان اتفاق می افتد، در علم خدا قرار گرفته است. اما این علم الهی، حاصل اراده ی خدا به اضافه اراده انسان است. و خودخدا اراده کرده که انساندر سرنوشت خودش تاثیر گذار باشد. تاثیر رعایت نکات بهداشتی در جلوگیری از بیماری، خود به قضا و قدر الهی است.



**آیه شریفه ۹۷ آل عمران برای مکه دو نشانه بیان می کند:**

**۱- وجود مقام ابراهیم ۲- امنیت برای کسانی که داخل مسجد الحرام شوند. حال سوال این است که مراد از امنیت عام است و همیشگی می باشد؟**

در پاسخ به این سوال باید به آیات قرآن مراجعه کرد چرا که پیام قرآن را از یک آیه گرفتن نوعی مغالطه و خطاست. قرآن کریم امکان جنگ و درگیری در حرم امن الهی را نفی نکرده است و در آیه ۱۹۱ سوره مبارکه بقره می فرماید:

اگر شما را بکشند و به مقاتله با شما برخیزند آنان را بکشید که کبیر کافران چنین است. زمانی که خداوند قتل و کشتار در مکه را نفی نمی کند، وقوع بیماری بر اثر عدم رعایت بهداشت و ... قطعاً امکان تحقق دارد؟

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اراک



نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری  
در دانشگاه اراک

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- (١) ابن حنبل، احمد بن محمد، الزهد، دار الکتب العلمیة، بیروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ،
- (٢) ابن أبي حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، المكتبة العصرية، صيدا
- (٣) ابن جوزی، عبدالرحمن بن علي، زاد المسیر في علم التفسیر، المكتب الإسلامي، بیروت.
- ١٤٠٤ ق، الطبعة: الثالثة، ج ٥، ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، دار الفكر، بیروت، ١٤٠١ ق،
- (٤) ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة قرطبة - مصر،
- (٥) طبری، ابن جریر، تاریخ الأمم والملوک، دار الکتب العلمیة، بیروت،
- (٦) ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، مكتبة المعارف، بیروت،
- (٧) ابن تیمیة الحرانی، أحمد عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، تحقیق: محمد رشاد سالم، الطبعة: الأولى، ١٨٤١ هـ - ١٣١١ م
- (٨) صنعاني، عبد الرزاق بن همام، المصنف، المكتب الإسلامي، بیروت، ١٨٤٩ ق، الطبعة الثانية، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمي،
- (٩) ابن أبي شيبه، عبدالله بن محمد، المصنف في الأحاديث والآثار، مكتبة الرشد، الرياض، ١٤٠٩ ق، الطبعة: الأولى، تحقیق: كمال يوسف الحوت،
- (١٠) ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، فتح الباری شرح صحيح البخاری، دار المعرفة، بیروت، تحقیق: محب الدين الخطيب
- (١١) دارمي، عبدالله بن عبد الرحمن، مسند (سنن) الدارمي، دار المغني، رياض،
- (١٢) ابن بابويه، محمد بن علي، اعتقادات الإمامية (للمصدق)، ناشر: كنگره شيخ مفيد، مكان چاپ: ايران؛ قم، سال چاپ: ١٤١٤ ق، نوبت چاپ: دوم
- (١٣) حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، دار الفكر، بیروت،
- (١٤) حصني دمشقي، تقي الدين ابي بكر، دفع من شبه و تمرد، با تحقیق عبد الواحد مصطفي، دار. المصطفي، قاهره،

- ۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، «الكافي (ط - الإسلامية)» محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم
- ۱۶) فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق، چاپ: اول
- ۱۷) طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ناشر: المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۵ ق، چاپ: دوم
- ۱۸) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ ق، چاپ: دوم
- ۱۹) جوادی آملی عبدالله، «اسلام و محیط زیست»، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۶،
- ۲۰) محمدباقر مجلسی، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ هـ ش
- ۲۱) نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق، چاپ: اول
- ۲۲) ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ: ۱۳۷۸ ق، چاپ: اول
- ۲۳) طوسی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم
- ۲۴) امین، سید محسن، اعیان الشیعه، مطبعه ابن زیدون، دمشق، ۱۳۶۲ ق، چاپ دوم
- ۲۵) صفار، محمد بن حسن، محقق / مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله عليهم، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ: ۱۴۰۴ ق، چاپ: دوم
- ۲۶) صادقی کاشانی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵
- ۲۷) ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، الغيبة (للنعماني)، ناشر: نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق، چاپ: اول

- ۲۸) آیتی نصرت الله، از تبار دجال تقدمدعی یمانى، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۴.
- ۲۹) مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، چاپ: اول
- ۳۰) ابن بابویه، محمد بن علی - کمره ای، محمد باقر، خصال، ناشر: کتابچی، تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ: اول
- ۳۱) طبرسی، احمد بن علی - جعفری، بهراد، الإحتجاج، ناشر: اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش، چاپ: اول
- ۳۲) موسوی همدانی سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش، چاپ: پنجم
- ۳۳) مظفر، محمد رضا، أصول الفقه، ناشر: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم، چاپ: پنجم، چاپ: ۱۳۸۷ ش
- ۳۴) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، نشر دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق،